

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر

دکتر حسین شکویی

استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

اشرف‌السادات باقری

دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

امروزه سیاست تقویت نقش شهرهای کوچک و میانی در مقابل سیاست ایجاد شهرهای جدید مطرح شده است. هدف از این مقاله، بررسی نقش دو شهر متوسط استان اصفهان (خمینی‌شهر و نجف‌آباد) در ناحیه و در حوزه پیرامونی است. فرضیات تحقیق، بررسی نقش دو شهر میانی به عنوان مرکز خدمات و محل خرید یا بازار مازاد تولیدات کشاورزی روستاهای اطراف است. برای مطالعه نقش اقتصادی این دو شهرستان در ناحیه، از روشهای مطالعه عملکرد اقتصادی و میزان رشد بخشهای اقتصادی آنها و رابطه رگرسیونی میان بخشهای اقتصادی و جمعیت استفاده شده است. براساس نتایج حاصل از پرسشنامه حوزه نفوذ، نقش مرکزیت این دو شهر بررسی گردیده و همچنین با پرسشگری در میدین میوه و تره‌بار دو شهر و نیز مادرشهر اصفهان، نقش آنها به عنوان بازار خرید محصولات کشاورزی تحقیق شده است.

نتایج حاصل از بررسی دو شهر نشان می‌دهد که نقش این دو شهر در ناحیه «نقش خدماتی» است و همچنین به عنوان «مرکز خدمات» برای نواحی پیرامون خود محسوب می‌شوند؛ اما نقش آنها به عنوان بازار خرید مازاد تولیدات کشاورزی روستاهای پیرامون ضعیف و کم اهمیت است و در این زمینه شهر اصفهان، حوزه نفوذ قویتر و وسیعتری دارد.

۱- طرح مسأله

در کشورهای توسعه نیافته، معمولاً نقش میانی شهرهای کوچک و متوسط (بین منطقه روستایی و شهرهای بزرگ) کم اهمیت‌تر است. در مقابل، شهرهای اصلی و بزرگ، اهمیت و رشد بیشتری یافته‌اند.



علت این امر همانا علل ایجاد تمرکز در این کشورهاست که عمدتاً ناشی از کمبود زیرساختها، تمرکز سرمایه و سایر امکانات و به طور کلی عوامل متعدد اقتصادی - اجتماعی حاصل از رشد روابط سرمایه‌داری پیرامونی است. در کشورهای جهان سوم، حاصل پویای فوق، از میان رفتن نقش شهرهای میانی و کوچک و پیدایش نوعی شبکه شهری است که به آن «شبکه شهری زنجیره‌ای» می‌گویند؛ یعنی هر شهر کوچک یا متوسط و حتی در مواردی هر روستا، مستقیماً و به صورت زنجیره‌ای با مادرشهر اصلی در ارتباط است؛ در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی، این شبکه غالباً به صورت همگون و کهکشانی است، به این نحو که روستاهای اطراف یک شهر کوچک با این شهر در ارتباط متقابلند و این شهر کوچک با یک شهر متوسط و شهر متوسط با شهرهای بزرگ منطقه در ارتباط است و هیچ شهری ارجحیت فوق‌العاده‌ای در کل شبکه شهری ندارد [۱].

طرفداران اقتصاد سیاسی معتقدند که فرایند ادغام اقتصاد کشورهای جهان سوم در اقتصاد آزاد جهانی و نفوذ سرمایه‌داری صنعتی غرب، تغییر بنیادینی به حساب می‌آید که شرایط تولید در جهان سوم را دگرگون کرده، سبب جابه‌جایی عظیم جمعیت و تمرکز آن در نقاط شهری محدود می‌شود و محرک اساسی مهاجرت از روستاها به شهرهای مسلط و مقدم خواهد بود. دافعه روستاها و جاذبه شهرها، نه علت، بلکه معلول ادغام در اقتصاد جهانی و نفوذ سرمایه‌داری - آن هم در شرایط مسلط - است. داگلاس^۱ معتقد است که تجاری شدن اقتصاد جهان سوم و ظهور دولت‌های بوروکراتیک، عوامل اصلی ادغام اقتصادهای عقب‌مانده در نظام سرمایه‌داری است که به نابرابریهای اجتماعی و توسعه نامتوازن و ناهمگن مکانی منجر می‌شود. شهرهایی که بیش از همه از تجاری شدن اقتصاد و ظهور دولت‌های بوروکراتیک بهره می‌گیرند، به شهرهای مقدم و مسلط تبدیل می‌شوند [۲].

مانوئل کاستل^۲ درباره بزرگسری یا ماکروسفالی می‌گوید: این جریان نشان‌دهنده رشد انگلی یک یا دو شهر و ناتوانی و عقب‌ماندگی سایر شهرهای کشور است و نتیجه توسعه برون‌زاست [۲].

جان شورت نظام شهری جهان سوم را با دو ویژگی مشخص می‌کند:
الف. رشد بی‌رویه جمعیت شهری؛

ب. افزایش تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در بزرگترین شهر [۲۷]؛

در کشورهای جهان سوم، توزیع فضایی جمعیت نامتناسب است و تمرکز در چند کلان‌شهر و بزرگ شدن یک یا چند شهر، در مقابل شمار چشمگیری از سکونتگاههای کوچک، دولت‌ها را با انگیزه‌های گوناگون به سیاستهای پیشگیری از این پدیده فراخوانده است.

توزیع فضایی و مکانی جمعیت و مراکز زیستی در نظام شهری ایران نشان می‌دهد که بین شهرهای بزرگ و کوچک، از نظر کمی، کیفی، عملکردی، حوزه نفوذ و کارکردهای منطقه‌ای، تفاوت بسیار وجود دارد. نظام شبکه شهری ایران عملکرد سلسله مراتبی ندارد و همچنان در جهت تمرکزگرایی است. فاصله تهران و شهرهای بزرگ با شهرهای میانی و کوچک بیشتر شده است. توزیع

نامتعادل جمعیت در سطح روستاها بازتاب وسیعی داشته است و به عدم تعادل جمعیتی و رها شدن نیروی انسانی فعال می‌انجامد که در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، اشتغال و بیکاری تأثیر آشکار دارد [۲].

شهر اصفهان به دلیل اجرای برنامه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاریهای دولتی در چند دهه اخیر، جاذب جمعیت بوده و رشد و گسترش وسیع یافته است. عدم تعادل و توازن روبه‌رشد جمعیت و ساختارهای شهری باعث پدیدار شدن معضلات و تنگناهای بیشماری شده است که ناهماهنگی و اختلال در نظام، تقلیل کیفیتهای زیست‌محیطی، ایجاد ترافیکهای مغل و طاق‌فرسا، برهم خوردن آسایش و آرامش شهری و دهها عارضه شوم دیگر، محصول و مولد این تضادها و نابسامانیهای ناشی از توسعه شهری و رشد جمعیت است. با رشد و گسترش اصفهان و افزایش جمعیت آن، به منظور حل مشکلات شهر اصفهان، راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد و بعضاً اجرا شده است. از جمله این راه‌ها، ایجاد و گسترش شهرهای جدید بود که در ایجاد تعادل فضایی و پذیرش سرریزهای جمعیتی شهر اصفهان، نقش مؤثری نداشته‌اند. طبق بررسیهای انجام شده، شهرهای جدید فقط ۸/۲ درصد از سرریزهای جمعیتی شهر و ۵/۴ درصد از سرریزهای جمعیتی استان را بین سالهای ۱۳۷۰-۱۳۵۵ جذب کرده‌اند که نقش آنها در مهار و کنترل رشد مادرشهر اصفهان بسیار ناچیز بوده است [۴].

در این پژوهش به این مسأله پرداخته شده است که نقش اقتصادی شهرهای خمینی‌شهر و نجف‌آباد در ناحیه چیست و آیا این دو شهر به‌عنوان مرکز خدمات و بازار خرید محصولات کشاورزی در روستاهای پیرامون نقش دارند یا خیر؟

۲- فرضیات تحقیق

الف. شهرهای میانی، مرکز خدمات برای روستاهای اطراف هستند.
ب. شهرهای میانی، بازار خرید محصولات کشاورزی برای روستاهای اطراف هستند.

۳- روش کار

برای مطالعه نقش اقتصادی دو شهرستان در ناحیه، از روشهای مطالعه عملکرد اقتصادی و میزان رشد بخشهای اقتصادی آنها و رابطه رگرسیون میان بخشهای اقتصادی و جمعیت استفاده شد و براساس نتایج حاصل از پرسشنامه حوزه نفوذ، نقش مرکزیت این دو شهر بررسی گردید. همچنین با پرسشگری در میداین میوه و تره‌بار هر دو شهر و مادرشهر اصفهان، نقش آنها به‌عنوان بازار خرید محصولات کشاورزی بررسی شد.

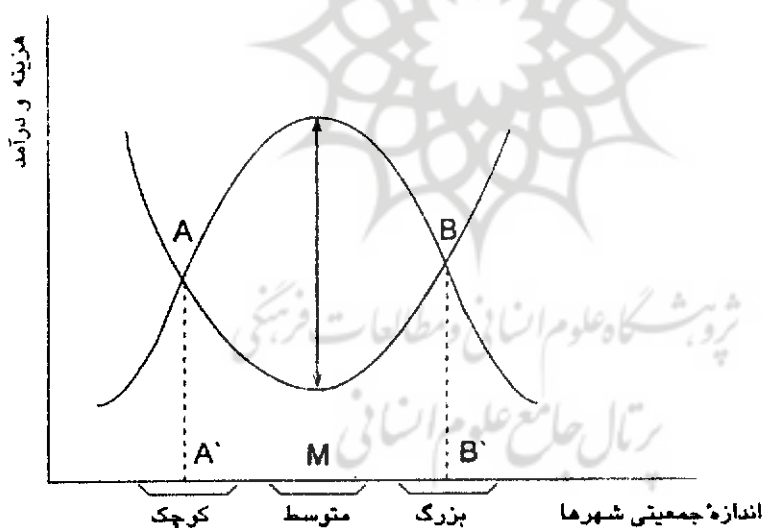
۴- مفهوم شهر میانی یا متوسط

مفهوم شهر متوسط یا میانی نسبی است و با الگوی سکونت شهری، سطح توسعه یافتگی و ساختار



اقتصادی کشورهای مختلف رابطه دارد. اندازه شهر میانی در هر کشور با اندازه بزرگترین و کوچکترین شهر همان سرزمین سنجیده می‌شود و بیشتر اندازه نسبی جمعیت را در نظر می‌گیرند. در شناخت شهرهای رده متوسط، علاوه بر شمار جمعیت، کارایی اقتصادی، فعالیتهای عمده اقتصادی، ترکیب اشتغال، تراکم شهری، سطح فیزیکی واحد شهری، تناسب نیروی به کار گماشته شده در مشاغل غیرکشاورزی، درآمد و هزینه سرانه نیز می‌تواند به کار آید.

شهرها با افزایش اندازه‌شان، امکان تأمین درآمد بیشتری را مهیا می‌سازند. این افزایش تا حدی استمرار می‌یابد، ولی بعد به دلیل ظهور هزینه‌های اضافی حاصل از بزرگی مقیاس، افزایش درآمد متوقف شده، فرو می‌افتد. هزینه سرانه هر شهروند با بزرگتر شدن مقیاس شهر، به دلیل بروز مطلوبیتهای مقیاس، به طور تدریجی کاهش می‌یابد، ولی پس از رسیدن به یک نقطه، این کاهش متوقف شده، هزینه‌های سرانه افزایش می‌یابد. در این باره آلتسو (۱۹۷۱) می‌گوید: هدف از کارایی اقتصادی این است که نه فقط با کاهش هزینه‌ها، بلکه با افزایش تفاوت بین درآمد و هزینه نیز به کارایی بالاتری دست یابیم. بدین قرار، شهرهای با اندازه مطلوب در حوزه‌ای قرار می‌گیرند که این کارایی تأمین گردد؛ حوزه‌ای که در آن، میزان درآمد بیش از هزینه‌هاست. اندازه مطلوب شهر در حوزه‌ای است که در آن، هزینه سرانه حداقل شود. معمولاً شهرهای میانی در چنین حوزه‌ای قرار می‌گیرند [۵]. (نمودار ۱)



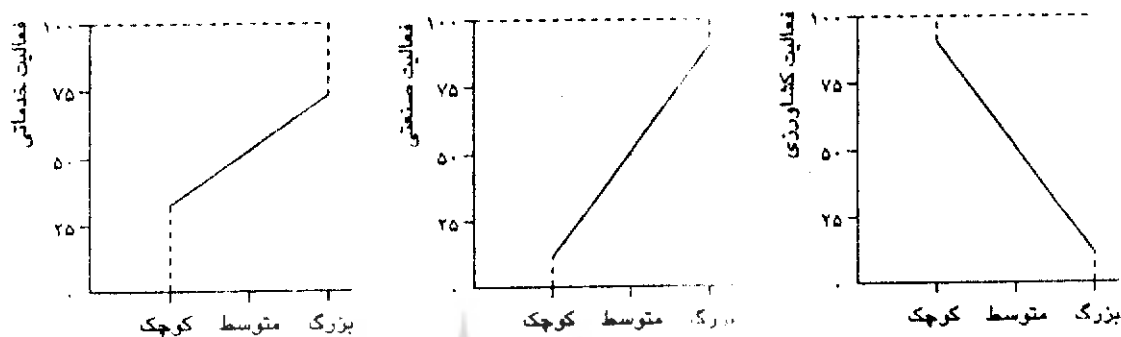
نمودار ۱ رابطه درآمد و هزینه با اندازه جمعیتی شهرها

۴-۱- ویژگی اقتصادی و اجتماعی شهرهای میانی

با تغییر موقعیت شهر - از تعلق به گروه شهرهای کوچک تا شهرهای بزرگ - می‌توان نوعی کاهش تدریجی را در سهم مشاغل کشاورزی و افزایشی تدریجی را در سهم مشاغل صنعتی دید. علاوه بر نوع فعالیت مقیاس فعالیتها نیز در گروه‌بندی شهرها مؤثر است. شهرهای کوچک عمدتاً بستر ایجاد صنایع و بنگاههای اقتصادی کوچک هستند و از آثار زاینده صنایع بزرگ دورند. این شهرها به علت موقعیت

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر

مکانی‌شان بازاری برای محصولات شهری و روستایی اطراف خود محسوب می‌شوند. اینگونه شهرها، از نظر اجتماعی بخشی از ویژگیهای مربوط به شهرهای بزرگ و بخشی از ویژگیهای مربوط به شهرهای کوچک و روستا - شهرها را در خود دارند و از نظر اقتصادی، مستعد برتری فعالیت‌های تجاری و خدماتی همراه با اشتغال در صنایع کارخانه‌ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته، هستند. (نمودار ۲)



نمودار ۲ ویژگی اقتصادی و اجتماعی برحسب اندازه شهرها

راندنیلی در تحلیل روابط شهر و روستا می‌گوید: اهداف توسعه روستایی جدا از شهرها عملی نیست؛ زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهری قرار گرفته‌اند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی مانند بهداشت، درمان و آموزش از مراکز شهری تأمین می‌شود. وی معتقد است که شهرهای کوچک و متوسط به‌عنوان مکان مرکزی، بیشترین روابط را با سکونتگاههای روستایی حوزه نفوذ خود برقرار می‌سازند. در شهرهای کوچک بازاری کشورهای جهان سوم، وجود بازار خرید و فروش برای روستاییان، مطب پزشکان، داروخانه‌ها، مدارس متوسطه، امامزاده‌ها، شعبات بانکها و حمامها، در وابستگیهای سکونتگاهی و یا نظام شهری با روستاهای تحت نفوذ آن مؤثر است. به نظر این محقق، شهرهای میانی بر مبنای جمعیت ممکن است به این ترتیب بر امر توسعه اثر بگذارند:

الف. از مشکلاتی که مسکن، آلودگی، حمل و نقل، اشتغال و تأمین خدمات شهری در بزرگترین شهر ایجاد می‌کند، بکاهد؛

ب. از نابرابریهای ناحیه‌ای می‌کاهد، زیرا امکانات و خدمات عرضه شده در حوضه مادرشهر از شهرهای میانی بیشتر است؛

ج. با ایجاد خدمات، امکانات و بازار برای تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی، اقتصاد روستایی را تحرک بخشند؛

د. سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی فقر را کاهش می‌دهد و برای بیکاران و مهاجران روستایی اشتغال



ایجاد کرده، از فشار مهاجرتی می‌کاهد.

ام. پراکاش. ماتور می‌گوید: «برخی تحلیلگران بر این باورند که شهرهای میانی باید عملکرد مرکزیت مکانی را بر عهده بگیرند که مشتمل بر فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی آنان است» [۲۸، ۶].
کلاس کونزمان^۴ می‌گوید: «شهرهای میانی، بنا به موقعیت جغرافیایی‌شان، می‌توانند سه عملکرد داشته باشند:

- الف. عملکرد تولیدی، شامل تهیه کالا و ارائه خدمات برای مناطق کشاورزی اطراف؛
- ب. عملکرد توسعه‌ای از طریق ایجاد، حمایت و تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه؛
- ج. عملکرد تسکینی یا تعدیلی به شکل جهت دادن و منحرف ساختن فشارهای توسعه از مادرشهر به مناطق شهری انتخاب شده در حاشیه و اطراف مادرشهر [۷].

۴-۲- تعریف شهر میانی

اندازه جمعیت شهرهای میانی در کشورهای مختلف، با توجه به عوامل جغرافیایی و نیز نظام شهری و روشهای برنامه‌ریزی آنها متفاوت است. در فرانسه رقم ۲۰ تا ۲۰۰ هزار نفر را برای گروه شهرهای میانی در نظر می‌گیرند [۸]، در انگلستان ۵ تا ۱۰۰ هزار نفر [۲۹] ملاک است و در چین شهرهایی که ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارند، شهر میانی محسوب می‌شوند [۳۰]. در ایتالیا جمعیت شهرهای میانی از ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر است. جمعیت شهرهای میانی در کشورهای هلند و بلژیک بالاست. در این کشورها که میزان شهرنشینی بالاست، به رغم ساختارهای شهری متفاوت، شبکه شهرهای میانی توسعه بسیار یافته است. در فرانسه، آلمان و ایتالیا شهرهای میانی واجد اهمیتند. در ایتالیا ۲۳/۵ درصد از جمعیت در شهرهای ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفری سکونت دارند و در مقابل ۲۸ درصد در تمام شهرهایی ساکنند که دارای بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت هستند^۵.
کارشناسان سازمان ملل این شهرها را بین ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت طبقه‌بندی کرده‌اند. رأی صاحب‌نظران در این زمینه مختلف است؛ از جمله لویل^۶ می‌گوید: شهرهای میانی، شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفر هستند [۹]. پیرژرژ^۷ شهرهای متوسط یا میانه اندام را دارای ۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر جمعیت می‌داند [۱۰].

در ایران گزارش آمایش سرزمین (سیترا ۱۳۵۶، شهرهای میانی را شهرهایی با جمعیت ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر دانسته است [۱۱]. زنجانی شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری را شهرهای متوسط کوچک و شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری را شهرهای متوسط بزرگ می‌داند [۱۲]. سعیدنیا، شهرهای متوسط را شهرهایی با جمعیت بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر ذکر می‌کند [۱۳]. گیتی اعتماد شهرهای متوسط را دارای ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت می‌داند [۱۴]. در طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران، شهرهای

4. Klus. R.Kunzmann.

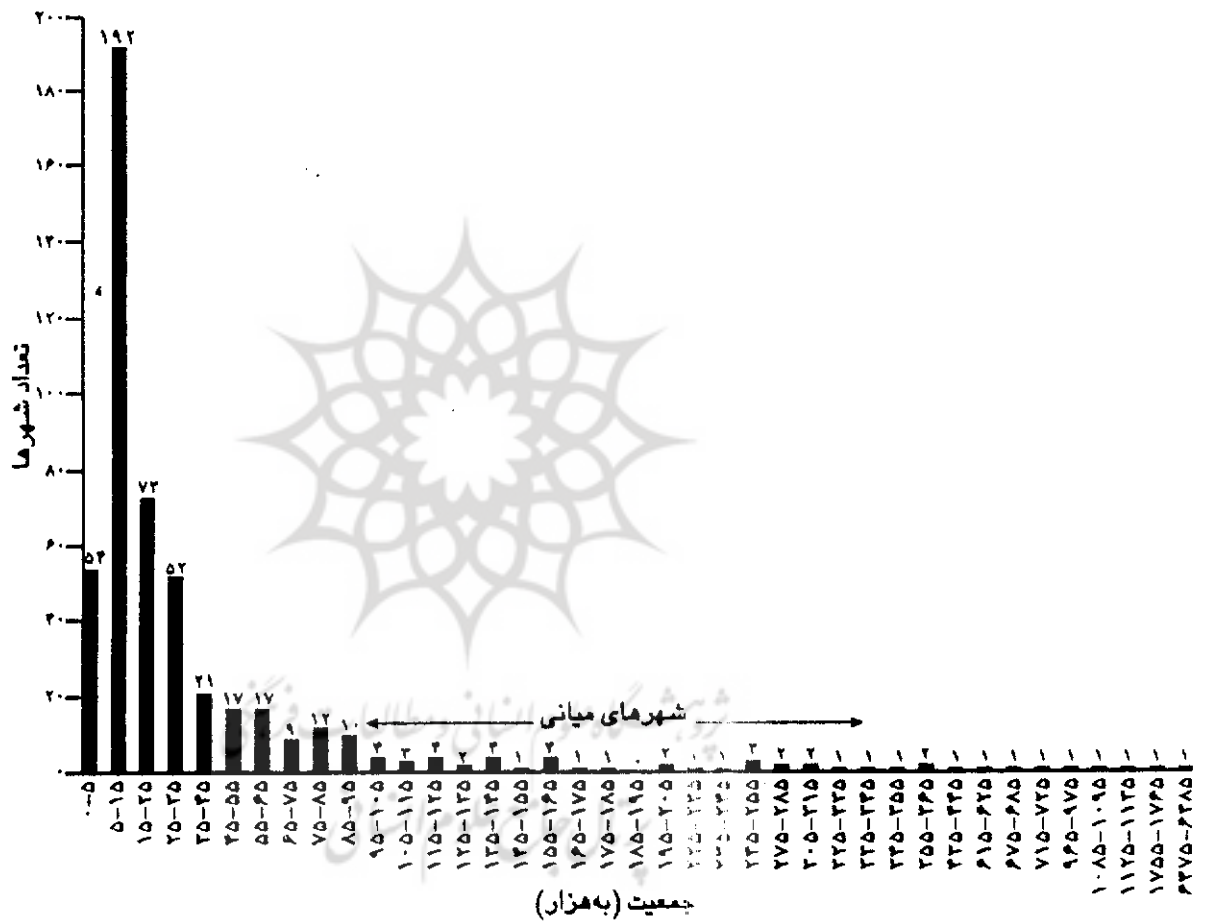
۵. کلاس، کونزمان؛ همان.

6. Lubell.

7. Pierre Gerge.

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف آباد و خمینی شهر

۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری شهرهای متوسط کوچک و شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری شهرهای متوسط بزرگ محسوب شده‌اند. به طور کلی، براساس رأی صاحب نظران مختلف و با توجه به ویژگیها و طبقه‌بندی جمعیتی شهرهای ایران می‌توان گفت که بر طبق این پژوهش، شهرهای متوسط در ایران، شهرهایی هستند که ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت دارند. (نمودار ۳)



نمودار ۳ طبقه‌بندی شهرهای ایران در سال ۱۳۷۰



۵- مبانی نظری موضوع

۵-۱- نظریات راجع به حد مطلوب جمعیت

افلاطون و ارسطو در توصیف جوامع ایده‌آل خود، به موضوع حد متناسب جمعیت توجه کرده‌اند. به اعتقاد افلاطون، رقم ایده‌آل برای تعداد نفوس یک دولت شهر یونانی رقم ۵۰۴۰ نفر است. افلاطون ۵۰۴۰ نفر را مطلوب می‌داند که با زنان و کودکان به حدود ۲۲ هزار نفر می‌رسد. به نظر ارسطو، اگر تعداد ساکنان شهر از حد معینی در گذرد، فقر و گرسنگی گسترش خواهد یافت. وی می‌گوید: «جمعیت شهر باید به آن اندازه باشد که به یک نظر دریافته شود و فراهم آوردن خوراک برای همه آنان ممکن باشد. وسعت آن باید برای هر کس امکان زندگی خوش و آزادانه را فراهم آورد» [۱۵].

این خلدون از طرفداران جمعیت متناسب است و در مورد عواقب جمعیت زیاد می‌گوید: «در نتیجه توسعه اجتماع و افزایش جمعیت، هوا فاسد می‌شود» [۱۶].

ابونصر فارابی اولین کسی است که به تصور حیات مستقل شهر نزدیک می‌شود و یک رابطه ارگانیک در کارکرد شهری می‌بیند. تقسیم وی از شهرها به شهرهای عظمی، وسطی و صغری بر همین مبناست.^۸

ایبیرزهاوارد^۹، پدر شهرک‌های جدید، حد متناسب جمعیت باغ شهر را در ۳۰ هزار نفر محدود ساخته است؛ چرا که به دلیل نظم اجتماعی، هر شهر به اندازه‌ای باید توسعه یابد که بتواند برای ساکنان خود محل اشتغال متنوع و متعادلی را در ظرفیت و بطن جغرافیایی‌اش عرضه کند و گسترش شهر نباید در سطحی انجام بگیرد که با جذب نیروی انسانی نواحی دیگر، با جابه‌جایی روزانه جمعیت فعال با وسایل نقلیه به مدت نیم ساعت و بیشتر وقت مردم تلف شود. بنابراین، بدین منظور، او معیار متناسب جمعیت شهر را ۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر ذکر کرده است.^{۱۰}

فیلیپ پنشمل^{۱۱}، جغرافیدان فرانسوی، عقیده دارد که حد متناسب جمعیت شهرها بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر نوسان دارد. دی. خرجایف^{۱۲} معتقد است برای شهری که در مسیر صنعتی شدن گام برمی‌دارد، به این منظور که بتواند رابطه منطقی شهری را با ناحیه خود برقرار کند، حد متناسب جمعیت شهری ۳۰۰ هزار نفر است.

در اروپای غربی، نوسهرهای کوتاه اندام را تا ۳۰ هزار نفر و شهرهای متوسط را تا ۱۰۰ هزار نفر و شهرهای بزرگ اندام را تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت در نظر می‌گیرند. سعی شهرسازان این بوده است که سقف گسترش شهرها را با این معیار بالا ببرند.^{۱۳}

بیشتر محققان و متفکران محیط زیست شهری، شهر سالم و قابل زندگی را با معیارهای جمعیتی

۸. زنجانی، حبیب‌الله؛ همان.

9. Ebenezer Howard.

۱۰. شکویی، حسین؛ جزوه درسی دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.

11. Phillipe Pinchemel.

12. D.Khdjaiv.

۱۳. فرید، بدالله؛ همان، ص ۴۲۸-۴۳۰.

ارزیابی می‌کنند و همه پدیده‌ها و مشکلات شهری را ناشی از میزان جمعیت می‌دانند حد مطلوب شهرها با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌شان فرق می‌کند و نمی‌توان حد مطلوب جمعیتی یکسانی برای همه کشورها در نظر گرفت؛ زیرا معیارهای انتخابی برای کیفیت زندگی، میزان درآمد، سهم بخش خصوصی و میزان و نحوه توزیع خدمات خصوصی در کشورهای مختلف فرق می‌کند، چنان که در یونان باستان، شهر مطلوب شهری بود که همه مردم آزاد بتوانند در دولت مردمی شرکت کنند.

در کشورهای جهان سوم، همه آلودگیهای شهری - از فقر شهری گرفته تا آلودگی‌های هوا - معمولاً از شهرهای ۵۰۰ هزار نفر به بالا شروع می‌شود و عده‌ای از محققان معتقدند که شهر ۲۰۰ هزار نفری می‌تواند دارای کارکرد تخصصی مورد نیاز شهر و در نتیجه شهری مطلوب باشد^{۱۴}.

اقتصاددانان و دانشمندان علوم اجتماعی مدتهاست در این باره که آیا اصولاً میزان مطلوبی برای شهرها وجود دارد یا خیر، بحث و اظهار نظر می‌کنند. به اعتقاد برخی، حد اعلای مطلوبیت، مخصوصاً وقتی مسأله اشتغال در میان باشد، رقمی حدود ۵۰۰ هزار نفر است. وقتی این رقم به حدود یک تا دو میلیون برسد، حفظ معیارهای عمومی زندگی دشوارتر می‌شود. البته این ارقام فقط برآوردهای میانگین را نشان می‌دهند و بدیهی است هرگز نمی‌توان به حد مطلوبی که قابل اعمال در تمام شهرهای جهان باشد دست یافت [۱۷].

گاستون بارده^{۱۵}، شهرساز معروف فرانسوی، بر این باور است که فقط داده‌های اقتصادی بیانگر حد متناسب شهر نیست، بلکه معیارهای اخلاقی اجتماعی نیز در این زمینه دخیلند و علاوه بر تجهیزات فردی و جمعی، جو عمومی شهر و میدان پرتوافشانی ناحیه‌ای شهر نیز می‌تواند در تعیین «حد متناسب شهرها، مؤثر باشد»^{۱۶}. در زمان ما، شهر مطلوب شهری است که شرایط اقتصادی‌اش مطلوب باشد؛ مانند فرصت‌های اشتغال، وجود واحدهای مسکونی سالم و کافی، سیستم خوب حمل و نقل، مدارس و بیمارستان‌های مجهز و کافی، سهولت دسترسی به مرکز خرید، تثبیت وضعیت مالی شهر و در نهایت، حاکمیت عدالت اجتماعی در شهر.

جمعیت شهر، فسی‌نفسه مشکل‌آفرین نیست، بلکه نارسایی‌های موجود در شهرها نتیجه تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهای اشتباه یا غیرمنطبق با شرایط اکولوژیک شهر است؛ بدین‌سان که در شهرهای مسلط یا شهرهای پرجمعیت، درآمد طبقات ثروتمند بیشتر از درآمد طبقات فقیر و کم درآمد جامعه است؛ در حالی که در شهرهای میانی، اختلاف درآمد به این حد نمی‌رسد. از طرفی، در نتیجه عدم حاکمیت عدالت اجتماعی در شهرهای پرجمعیت جهان سوم، برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای برای طبقه کم درآمد سودمند نیست و این افراد در همه شهرهای بزرگ جهان سوم، از نظر بیمارستان، پارک، مدارس و هوای پاک با مشکلاتی مواجهند [۱۸، ۶].

۱۴. شکویی، حسین؛ جزوه درسی دوره دکتری دانش آفرینیت مدرس، ۱۳۷۳.

15. Gastin Bardet.

۱۶. شکویی، حسین؛ همان.



۵-۲- نظریات راجع به شهرهای متوسط

نیل هنس^{۱۷} به هنگام بحث از نقش شهرهای کوچک و متوسط در توسعه ملی، استراتژی توسعه از پایین را که توسعه شهرهای کوچک و متوسط را دربردارد، وسیله‌ای میسر و عملی برای توسعه کشورهای در حال توسعه دانسته است که هدف آن کمک به رفع نیازهای اندک روستاییان در مجاورت زندگی آنان است. به نظر وی، مناسبترین راه برای تحقق این هدف، مهیا کردن وسایل رشد و پیشرفت شهرهای کوچک و متوسط از پایین است، به نحوی که در روند توسعه، یک سیستم شهری بسط یابد و به صورت ارگانیک با اهداف جمعیتی پیوند بخورد [۱۹].

تودارو در مورد توسعه در جهان سوم می‌گوید: توسعه کشاورزی و روستایی محور اصلی توسعه ملی است. اگر قرار است توسعه ملی در کشورهای جهان سوم واقعیت بیابد، باید تعادل بیشتری بین توسعه روستایی و شهری ایجاد شود؛ چون اکثر طرحهای دارای اولویت دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر نوسازی و توسعه بخش شهری متمرکز بود. به نظر وی، توسعه ملی منوط به توسعه روستایی و توسعه روستایی منوط به توسعه کشاورزی، پیشرفت زارعان کوچک و توسعه هماهنگ در بخش روستایی و شهری است. ریشه تمام مشکلات، عقب‌ماندگی در روستاست [۲۰]. والتربی استور^{۱۸} از دانشگاه اقتصاد وین و دی.دی. فرزتیلور استاد جغرافیا در دانشگاه کارلتون اوتاوا در برابر نظریات راندنیلی معتقدند که سیاست توسعه از بالا (شهر) باید با سیاست توسعه از پایین و به صورت یکپارچه عملی شود تا عدالت خواهانه‌تر و منصفانه‌تر جلوه کند. به نظر این دو محقق، استراتژی توسعه از پایین، توسعه‌ای است بر پایه حداکثر تحرک در منابع انسانی، نهادی و طبیعی ناحیه که هدف آن تأمین نیازهای اصلی ساکنان هر ناحیه است و به طور مستقیم در مسیر حل مشکلات مربوط به فقر و کنترل آن از پایین جهت‌گیری می‌کند. این استراتژی برای مرکزیت روستایی، تکنولوژی مناسب، رشد انتخابی، توزیع عادلانه منابع، خودکفایی، به‌وجود آوردن فرصت‌های اشتغال و از همه مهمتر، برای شأن و مقام انسانی ارزش بسیار قائل است^{۱۹}.

آلنسو^{۲۰} توسعه و تقویت شبکه‌ای از شهرهای متوسط را که از پیش قابلیت پذیرش جمعیت بیشتری را از خود بروز داده‌اند، در تکمیل شبکه شهری، مناسب دانسته است و برای تکمیل شبکه اسکان و برقراری حلقه رابط مناسب در ایجاد تعادل بین زیستگاههای شهری و روستایی، وجودشان را الزامی می‌داند [۲۱].

ج.اچ. شورت با مهم تلقی کردن نقش دولت و تصمیمات دولتی در خصوص سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و فضاها و ارتباط مستقیم آن با الگوی نظام شهری، بر نقش مراکز رشد، بویژه شهرهای میانی در سلسله مراتب شهری، و توجه به آنها در تعیین استراتژیها تأکید می‌کند و می‌گوید: یکی از راههای پراکنده کردن فعالیت‌های اقتصادی از شهرهای بزرگ، سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی است،

17. Niles Hansen.

18. Walter B.shhr.

19. Niles Hansen.

20. Willam Alenso.

به‌خصوص آن شهرهایی که به حد کافی از مراکز اصلی منطقه دور هستند. همچنین یک مرکز رشد در واقع آن مراکز شهری است که رشد تجاری صنعتی در آنها متمرکز شده و آثار رشد اقتصادی را به پیرامون خود منتقل می‌کنند. این مراکز با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هم توسعه می‌یابند.^{۲۱}

ام. پراکاش ماتور سه دلیل برای اهمیت شهرهای میانی ذکر می‌کند:

الف. کارایی: کارایی اقتصادی شهر زمانی که به سطح معینی از جمعیت برسد، رو به کاهش می‌گذارد. مقیاس یا اندازه اقتصادی شهر نامحدود نیست و زمانی که این اندازه به سطح معینی از جمعیت برسد، زیانهای اقتصادی جانشین صرفه‌های اقتصادی شده، افت کارایی شهر را موجب می‌شود. هزینه سرانه تهیه زیربنایها و خدمات شهری پس از اینکه شهر به حد معینی از جمعیت می‌رسد، به صورت نامتناسب رشد کرده، نگهداری و توسعه شهرهای بزرگ را برای کشورهای در حال توسعه پرهزینه‌تر می‌سازد. پس ارجحیت با چنان شهرهایی خواهد بود که هزینه نهایی خدمات و زیربنایها در آنها حداقل است یا کمترین هزینه ممکن را دربر دارند.

ب. عدال و برابری با نظریه توزیع متوازن جمعیت. توزیع متعادل جمعیت برای تحقق اهداف توسعه ملی سودمندتر است. تمرکز بی‌رویه جمعیت در چند مرکز شهری بزرگ، حالت وابستگی و دوگانگی را موجب می‌شود و یکپارچگی و به هم پیوستگی ملی را مختل می‌سازد. به علاوه، الگویی که در آن جمعیت شهری، فعالیت‌ها و تصمیم‌گیریها در چند مرکز محدود متمرکز شده باشد، الگویی استثمارگرانه بوده، به انتقال منابع از شهرهای کوچک و نواحی روستایی به مراکز بزرگ و کلان شهر منتج می‌گردد. از این رو، توزیع متوازن جمعیت ارجحیت دارد.

ج. شکست عملکرد تنزیل تدریجی (نظریه قطب رشد). تا زمانی که رشد محدود به چند شهر بزرگ باشد بیشتر به تشدید و تمدید روند رشد در این مراکز گرایش وجود دارد تا انتقال تدریجی آن به مراکز شهری کوچکتر توزیع فضایی باید بر مبنای سیاستهای عمومی و اندیشیده‌ای که برای توسعه آتی مناسب و قابل قبول است، تغییر یابد. بر این اساس، گرایش به شهرهای کوچک و میانی مطرح می‌شود [۲۲].

۶- نظام شهرنشینی ایران

مشخص اصلی نظام شهری کشور ما توسعه شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت در آنهاست. شهر تهران خارج از تربیت منظم نظام شهری کشور، به‌عنوان شهر برتر و نخست‌شهر، تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف حفظ کرده است. گرایش به افزایش شهرهای بزرگتر، نتیجه سیاستهای اقتصادی، و افزایش تعداد شهرهای کوچکتر به دلیل سیاستهای اداری است. توزیع مکانی و فضایی جمعیت و مراکز زیست در نظام شهری ایران نشان می‌دهد که بین شهرهای بزرگ و کوچک، از نظر کمی و کیفی و عملکردی، حوزه‌های نفوذ و کارگرهای منطقه‌ای، تفاوت‌های بسیار وجود دارد.



تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اداری و خدماتی در تهران زمینه اشتغال وسیعی فراهم کرده و همزمان با آن، رکود نسبی فعالیتها در نقاط دیگر کشور و برخورداری بیش از پیش تهران از امکانات بهتر خدماتی به این توسعه شتابی خاص بخشیده است.^{۲۲} در تهران بزرگ، سودهای کلان اقتصادی به سبب تمرکز تولید، با شرایط خاص مادرشهر جهان سوم به دست می‌آید. در این شهر، برگشت سرمایه با سودهای کلان امکانپذیر است و در نتیجه بیشترین سرمایه‌ها به سوی تهران سرازیر می‌شود. حاکمیت این جریان، سیر عقب‌ماندگی سایر نواحی جغرافیایی ایران را موجب شده است و از این رو، یک شهر انگلی محسوب می‌شود [۲۳]. ایران از نظر اداری، تمرکز گراترین کشورها در سطح دنیا است. تمرکزگرایی اداری، آن هم در حد افراطی، از علل گسترش پایتخت و مراکز استانها و از دلایل عمده مشکلات نواحی کشور است. تمرکزگرایی، آثار سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی دارد. تمرکزگرایی موجب تمرکز جمعیت در نواحی خاصی از مملکت می‌شود و از پراکندگی متعادل جمعیت نسبت به منابع طبیعی کشور جلوگیری می‌کند. در سال ۱۳۶۵، حدود ۳۵ درصد از کل کارخانه‌هایی که توسط بخش خصوصی ساخته شده بود، یعنی ۱۸۸۸ واحد از کل ۵۳۳۷ واحد، در ناحیه تهران قرار داشت و ۴۰/۸ درصد کارخانه‌های دولتی، یعنی ۳۶۸ واحد از ۹۰۰ واحد، در ناحیه تهران بود. ۳۸/۸ درصد کارگران صنایع در تهران کار می‌کردند، ۴۲/۶ درصد پزشکان در تهران مطب داشتند و ۴۷/۸ درصد از دانشجویان و ۵۷/۴ درصد از استادان دانشگاه در تهران مشغول به تحصیل و تدریس بودند [۲۴]. نظام شهری ایران طی سه دهه اخیر دارای سه ویژگی به شرح زیر بوده است:

- الف. افزایش تعداد شهرهای بزرگ و کلان‌شهر در نتیجه مهاجرت جمعیتها؛
 ب. افزایش تعداد شهرهای کوچک در اثر تورم جمعیتی شهر و روستاهای عمده که به جرگه شهر پیوسته‌اند؛
 ج. ثبات نسبی شهرنشینی در شهرهای متوسط کشور، به رغم افزایش جمعیت آنها.^{۲۳}

جدول ۱. تعداد شهرهای میانی و درصد تعداد آنها به کل شهرها در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰^{۲۴}

سال	تعداد شهرهای میانی میانمی به کل شهرها	درصد تعداد شهرهای میانمی به جمعیت کل شهرها	درصد جمعیت شهرهای میانمی به جمعیت کل شهرها
۱۳۳۵	۷	۳/۵ درصد	۲۰/۸ درصد
۱۳۴۵	۸	۲/۹ درصد	۱۳ درصد
۱۳۵۵	۱۳	۳/۵ درصد	۱۷/۸ درصد
۱۳۶۵	۲۳	۴/۶ درصد	۱۷/۴ درصد
۱۳۷۰	۲۸	۵/۴ درصد	۱۳/۶ درصد

۲۲. سعیدنیا، احمد؛ همان.

۲۳. سعیدنیا، احمد؛ همان.

۲۴. مرکز آمار ایران، با دستگاه کد از سالنامه‌های سرشماری آماری، سالهای ۱۳۳۵-۱۳۷۰.

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر

همان‌طوری که در جدول شماره یک نیز مشخص است، طی چهار دوره سرشماری، بر تعداد شهرهای میانی در کشور افزوده شده است؛ ولی درصد جمعیت آنها تغییر زیادی نداشته است. تعداد این شهرها از هفت مورد در سال ۱۳۲۵ به ۲۸ مورد در سال ۱۳۷۰ و درصد جمعیت آنها از ۲۰/۸ درصد به ۱۳/۶ درصد رسیده است که کاهش جمعیت شهرهای میانی را نشان می‌دهد. شهرهای میانی (۱۰۰-۲۵۰ هزار نفری) در سالهای ۲۵-۴۵ به میزان ۲/۸۲ درصد، در سالهای ۴۵-۵۵ به میزان ۳/۲۹ درصد و در سالهای ۵۵-۶۵ در حدود ۶/۶۲ درصد رشد داشته‌اند [۲۵]. شهرهای متوسط در مقایسه با شهرهای دیگر، بخش ناچیزی از جمعیت شهری را در خود جای داده‌اند.

در سال ۱۳۷۰، حدود چهارده استان کشور دارای شهر میانی بوده‌اند و استانهای گیلان، یزد، زنجان، فارس، سمنان، مرکزی، باختران، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و سیستان و بلوچستان شهر میانی نداشته‌اند.

جدول ۲ توزیع لگاریتمی مرتبه - اندازه و شاخص نخست شهرهای استانهای دارای شهر میانی

در سال ۱۳۷۰

R	نام شهر	Q	Logr	رتبه‌بندی الکوی لگاریتمی بر اساس مقدار Q	شاخص نخست شهری	رتبه‌بندی بر اساس شاخص نخست شهری
۱	تهران	۲/۳۰۶	۹/۵۰۵	تهران	۹/۵۰۵	خراسان
۲	مرمزان	۱/۹۱	۷/۵۷۲	مرمزان	۷/۵۷۲	تهران
۳	خراسان	۱/۶۷۲	۱۱/۸۸	خراسان	۱۱/۸۸	هرمزگان
۴	ایلام	۱/۶۵۱	۵/۶۵۱	ایلام	۵/۴۸	اصفهان
۵	آذربایجان شرقی	۱/۵۱۱	۲/۵۰۱	آذربایجان شرقی	۳/۵	ایلام
۶	همدان	۱/۵۵۹	۲/۶۸	همدان	۲/۶۸	خوزستان
۷	کردستان	۱/۲۷۵	۱/۲۷۵	اصفهان	۲/۴۷	آذربایجان شرقی
۸	خوزستان	۱/۲۸۶	۲/۲۸۶	کرمان	۳/۹۹۷	کرمان
۹	کرمان	۱/۲۶۸	۲/۸۸۹	خوزستان	۲/۸۸۹	همدان
۱۰	بوشهر	۱/۱۸۲	۱/۱۸۲	کردستان	۱/۷۵۱	آذربایجان غربی
۱۱	آذربایجان غربی	۱/۱۸۲	۱/۵۹۲	بوشهر	۲/۵۹۲	کردستان
۱۲	لرستان	۱/۰۵۵	۱/۰۵۵	آذربایجان غربی	۱/۲۳۹	بوشهر
۱۳	مازندران	۰/۶۹۲	۱/۰۳۲	لرستان	۱/۰۳۲	لرستان
۱۴	اصفهان	۱/۴۴۵	۷/۰۴۴	مازندران	۷/۰۴۴	مازندران



براساس الگوی لگاریتمی، تهران، هرمزگان، خراسان، ایلام و آذربایجان شرقی دارای الگوی نخست‌شهری هستند و لرستان، مازندران، آذربایجان غربی و بوشهر در مقایسه با سایر استانها، تعادل نسبی دارند. شاخص نخست‌شهری (نسبت جمعیت شهر اول به دوم) در استانهای خراسان، تهران، هرمزگان و اصفهان بالاست و در استانهای مازندران، لرستان، بوشهر و کردستان، نسبت کمتری را نشان می‌دهد (جدول شماره ۲). بیشترین درصد تعداد شهرهای میانی در استان مازندران و خراسان با ۱۲/۸ و ۱۲/۷ درصد بوده است و کمترین درصد جمعیت شهر میانی نسبت به جمعیت استان، در استان کرمان وجود دارد. از کل شهرهای متوسط کشور در سال ۱۳۷۰، ۴۲/۸ درصد آنها در منطقه فعال قرار دارند که عبارتند از: اسلامشهر، رجایی شهر، مهرشهر، نجف‌آباد، خمینی شهر، کاشان، مسجد سلیمان، دزفول، نیشابور، بیرجند، بجنورد و سبزوار. ۳۲/۱ درصد از این شهرها شامل مراغه، سیرجان، گرگان، گنبد، ساری، آمل، بابل، قائم شهر و خوی در مناطق نیمه فعال قرار دارند. ۱۰/۷ درصدشان شامل بوشهر، هرمزگان و ملایر در مناطق کم فعال واقعند؛ ۱۴/۳ درصد آنها از جمله بروجرد، سنندج، خرم‌آباد و ایلام در مناطق کمتر فعال هستند. بنابراین، اکثر شهرهای میانی در مناطق فعال و نیمه فعال و شمال و شمال شرق کشور واقع شده‌اند.^{۲۶}

استان اصفهان دارای سه شهر متوسط (خمینی شهر، نجف‌آباد و کاشان) است که در سال ۱۳۶۵، شهرهای متوسط آن ۱۷/۶ درصد، و در سال ۱۳۷۰، حدود ۱۷/۷ درصد جمعیت شهری استان را در خود جای داده بوده‌اند.

۱-۶- بررسی نقش شهرستان نجف‌آباد و خمینی‌شهر در ناحیه و استان اصفهان

نقش اقتصادی خمینی‌شهر و نجف‌آباد در ناحیه، با روش‌های مقایسه عملکرد اقتصادی بخش‌های اقتصادی با استان، میزان رشد بخشهای اقتصادی، میزان اشتغال‌زایی بخشهای اقتصادی، درصد شاغلان در بخشهای مختلف اقتصادی و رابطه رگرسیون بین جمعیت و نیروی انسانی شاغل در بخشهای گوناگون اقتصادی بررسی شده است.

نمودار مقایسه عملکرد اقتصادی دو شهر و استان شامل چهاربخش است. نقاطی که در بخش I قرار می‌گیرند از متوسط رشد استان و شهرستان رشد بیشتری داشته‌اند. نقاط واقع در بخش II آنهایی هستند که رشدشان از متوسط رشد استان کمتر و از متوسط رشد شهرستان بیشتر بوده است. رشد نقاط واقع در بخش IV از متوسط رشد استان بیشتر و از متوسط رشد شهرستان کمتر بوده است و نقاط واقع در بخش III در مقایسه با متوسط رشد استان و شهرستان رشد کمتری داشته‌اند.

بخش خدمات عمومی، خدمات مالی (حمل و نقل و بیمه) و عمده‌فروشی در نجف‌آباد رشدی بیشتر از متوسط رشد استان و شهرستان داشته است؛ اما در مورد بخش کشاورزی، معدن و صنعت این

۲۶. برای تعیین میزان فعالیت اقتصادی استانهای کشور، از شاخصه شاخص استفاده و همبستگی بین شاخصها بررسی شده است. از این میان، شاخصهایی که کمترین همبستگی را داشتند انتخاب گردیده و سپس از روش امتیاز استاندارد و ضریب تغییر استفاده شده است و استانهای کشور براساس ضریب فعالیتشان در چهار گروه فعال، نیمه فعال، کم فعال و کمتر فعال طبقه‌بندی شده‌اند.

میزان رشد کمتر از استان و شهرستان بود. کمتر بوده است. رشد بخش ساختمان از متوسط رشد استان بیشتر و از متوسط رشد شهرستان کمتر بوده است (نمودار ۵).

بخش خدمات عمومی و خدمات مالی شهرستان خمینی‌شهر رشد بیشتری از متوسط رشد استان و شهرستان داشته؛ اما رشد بخش صنعت، کشاورزی و معدن از متوسط رشد استان و شهرستان کمتر بوده است. از سوی دیگر، بخش آب و برق و گاز خمینی‌شهر رشد کمتری در مقایسه با متوسط رشد استان و رشد بیشتری نسبت به متوسط رشد شهرستان داشته است. همچنین رشد بخش ساختمان از متوسط رشد استان بیشتر و از متوسط رشد شهرستان کمتر بوده است (نمودار ۶).

مقایسه سه بخش عمده اقتصادی دو شهرستان و استان نشان می‌دهد که بخش خدمات در هر دو شهرستان رشد بیشتری از متوسط رشد استان و شهرستان داشته و رشد بخش صنعت و کشاورزی از متوسط رشد استان و شهرستان کمتر بوده است (نمودار ۷). این سه نمودار همگی نمایانگر نقش خدماتی دو شهرستان هستند.

درصد رشد سه بخش عمده اقتصادی دو شهرستان در نمودارها نشان می‌دهد که بخش خدمات رشد بالا، بخش صنعت در خمینی‌شهر رشد کم و در نجف‌آباد رشد منفی، و بخش کشاورزی در خمینی‌شهر رشد منفی و در نجف‌آباد رشد اندک داشته است (نمودار ۸).

بخش خدمات عمومی، خدمات مالی و عمده‌فروشی کشاورزی در نجف‌آباد رشد داشته، اما بخش معدن، آب و برق، گاز و نیز بخش ساختمان رشد منفی داشته‌اند. در مقابل، بخش ساختمان در استان رشد بالایی داشته و در عوض بخش معدن آب و برق، و گاز دارای رشد منفی بوده است (نمودار ۹).

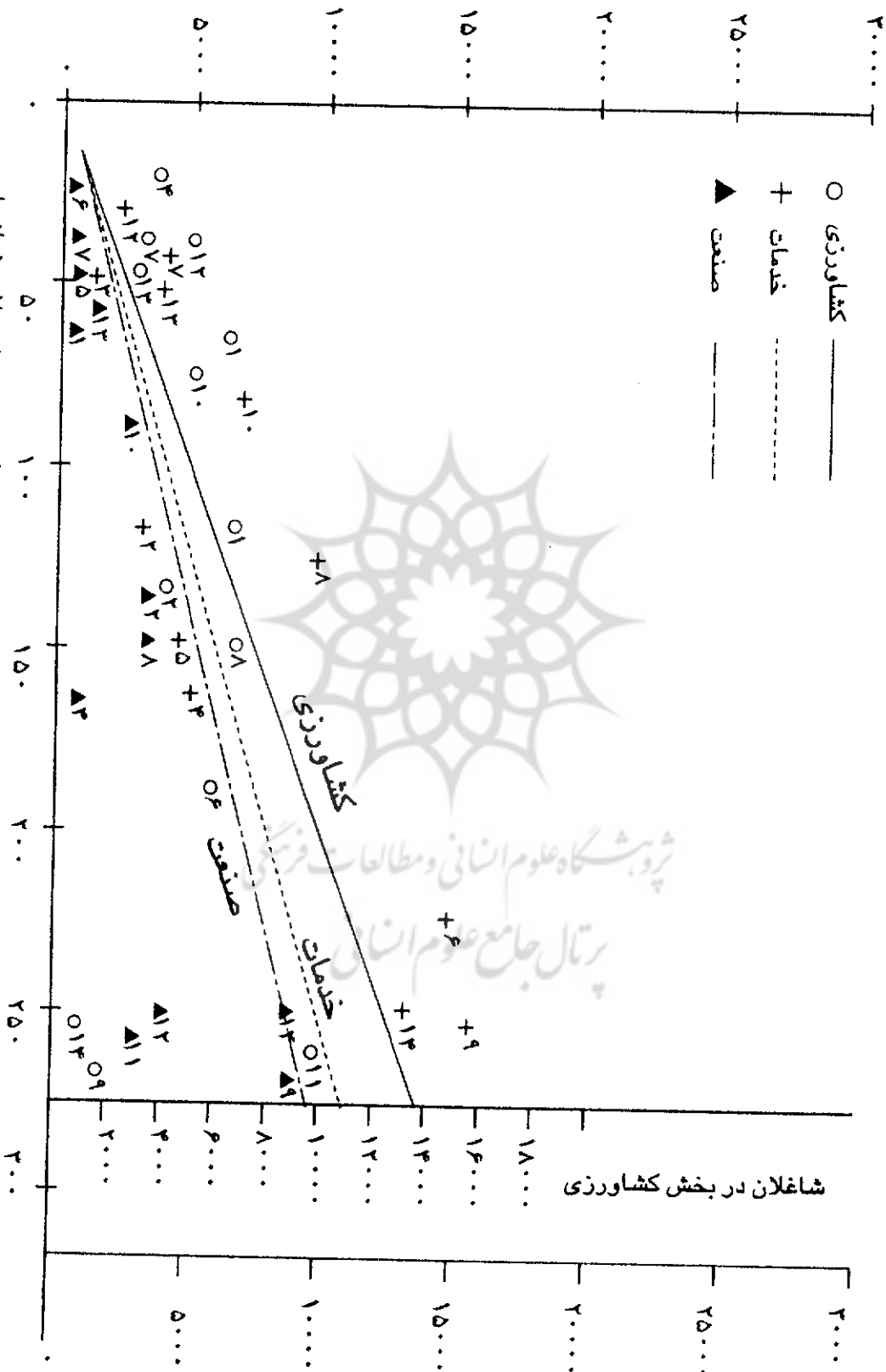
بخشهای اقتصادی خدمات عمومی، خدمات مالی، عمده‌فروشی و صنعت و ساختمان در خمینی‌شهر رشد مثبت و بخش کشاورزی و معدن رشد منفی داشته است (نمودار ۱۰). این سه نمودار نیز اهمیت نقش خدمات را در این شهرستانها نشان می‌دهند.

ترسیم خطی معادله رگرسیون بین بخش صنعت، کشاورزی، خدمات و جمعیت در سال ۱۳۶۵ صورت گرفته است که نشان می‌دهد در شهرستان نجف‌آباد و خمینی‌شهر، بخش صنعت روی خط رگرسیون صنعت و بخش کشاورزی ریز خط رگرسیون کشاورزی و بخش خدمات بالاتر از خط میانگین خدمات قرار دارد. این رابطه نیز اهمیت نقش خدمات را در این دو شهرستان نشان می‌دهد (نمودار ۱۱) ۲۷.

میزان اشتغالزایی بخشهای مختلف اقتصادی در استان اصفهان و در شهرستان نجف‌آباد و خمینی‌شهر نشان می‌دهد که بخش خدمات، نسبت به سایر بخشهای اقتصادی، میزان اشتغالزایی بیشتری داشته است (جدول ۳).



شاغلان در بخش خدمات

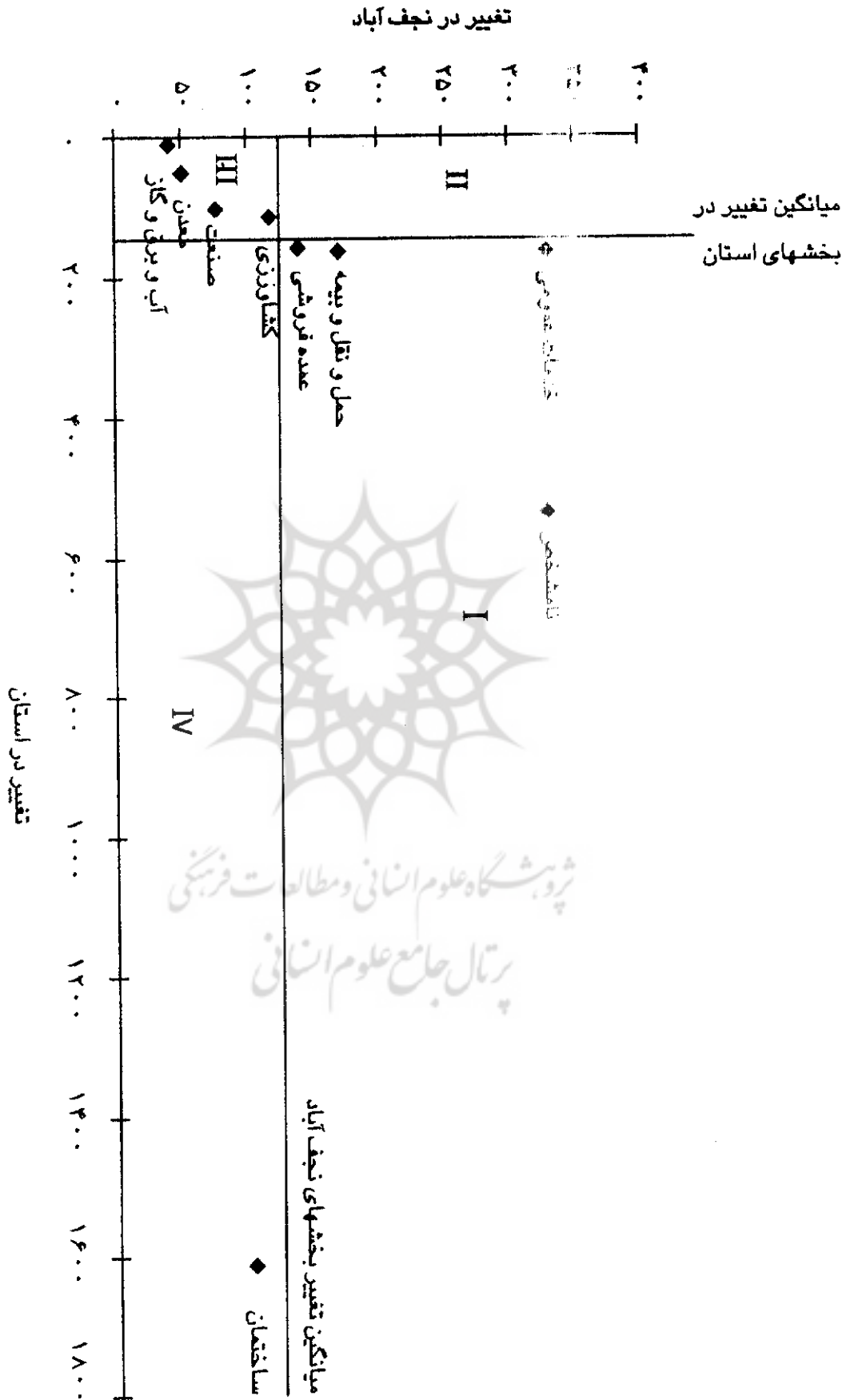


شاغلان در بخش کشاورزی

شاغلان در بخش صنعت

۱ - سمیرم - فریدونشهر - ۲ - فلالورجان - ۳ - اردستان - ۴ - خمینی شهر - ۵ - خراسان - ۶ - نجف آباد - ۷ - قمشه - ۸ - کاشان - ۹ - کلپایگان - ۱۰ - لنجان - ۱۱ - نطنز - ۱۲ - تاین - ۱۳ - نجف آباد - ۱۴ - نودار - ۱۵ - مقایسه شاغلان در بخشهای خدمات، صنعت و کشاورزی در چهارده شهر

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف آباد و خمینی شهر



نمودار ۵ مقایسه عملکرد بخشهای مختلف اقتصادی شهرستان نجف آباد و استان اصفهان در سالهای ۵۵-۶۵

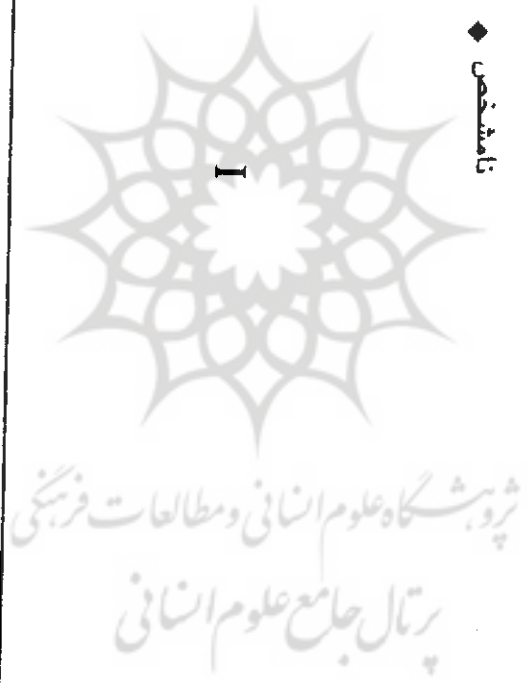
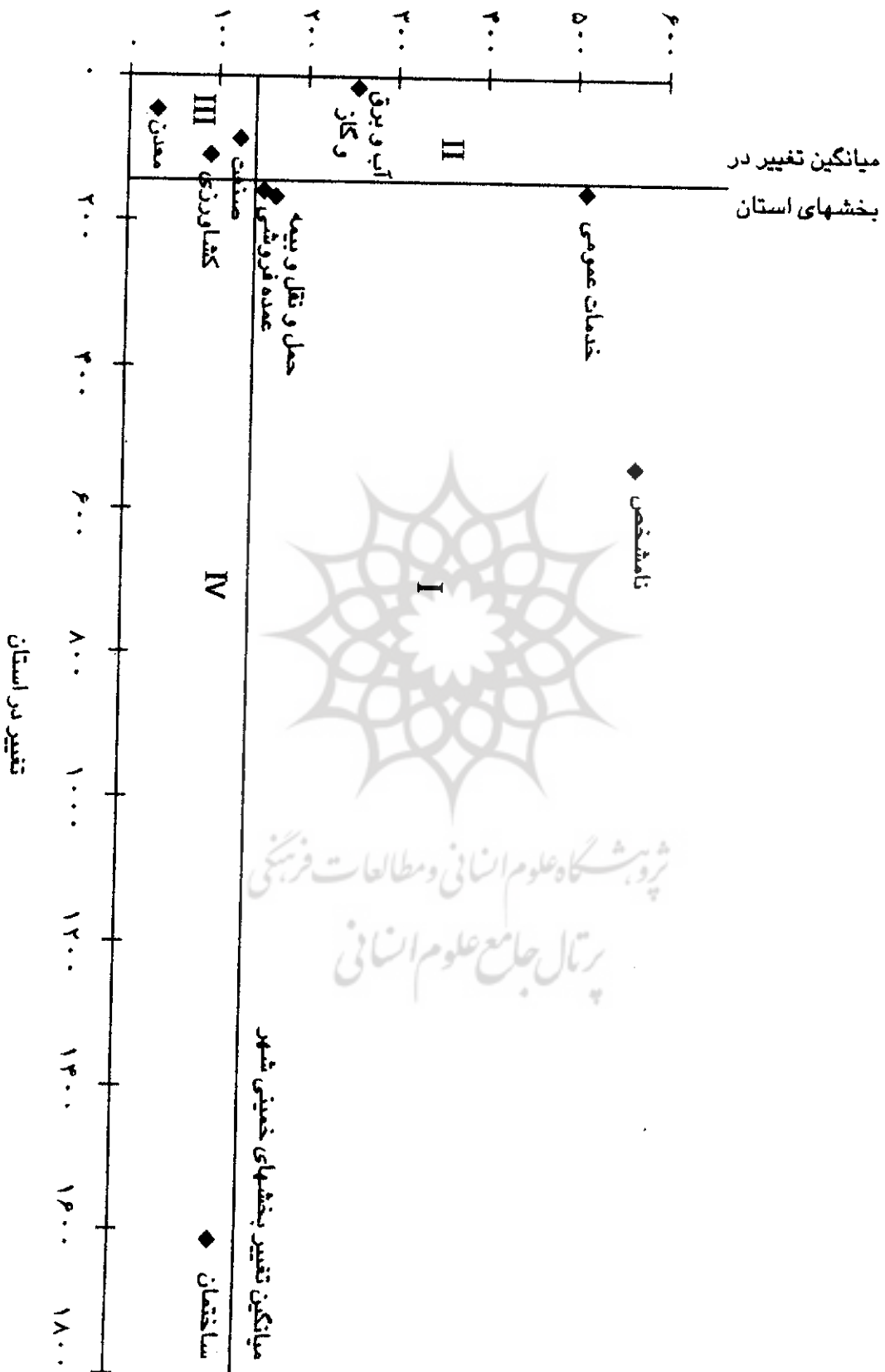
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مجله

شماره ۸ پاییز ۱۳۷۷

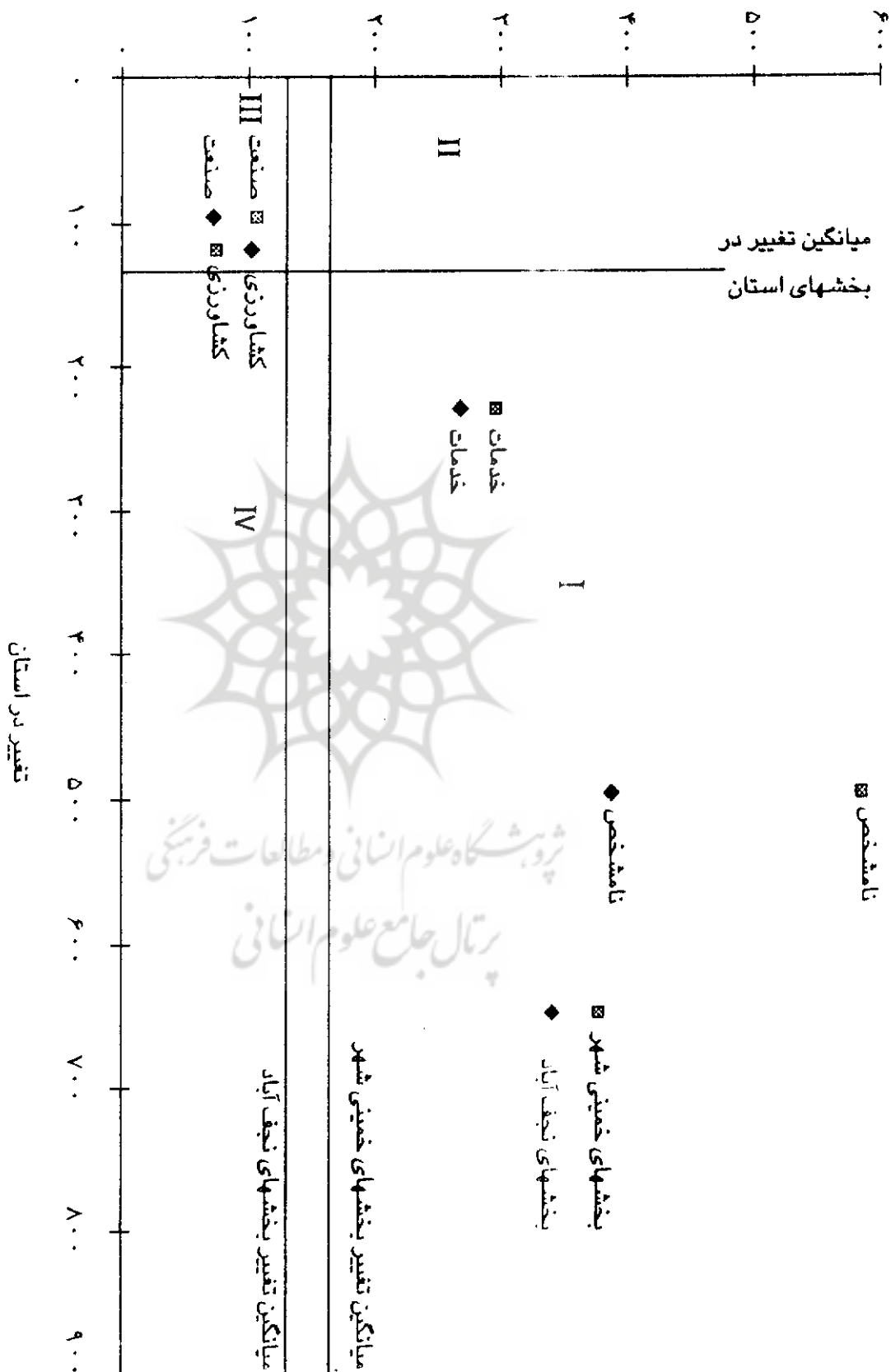


تغییر در خمینی شهر



نمودار ۴ مقایسه عملکرد بخشهای مختلف اقتصادی شهرستان خمینی شهر و استان اصفهان در سالهای ۵۵-۶۵

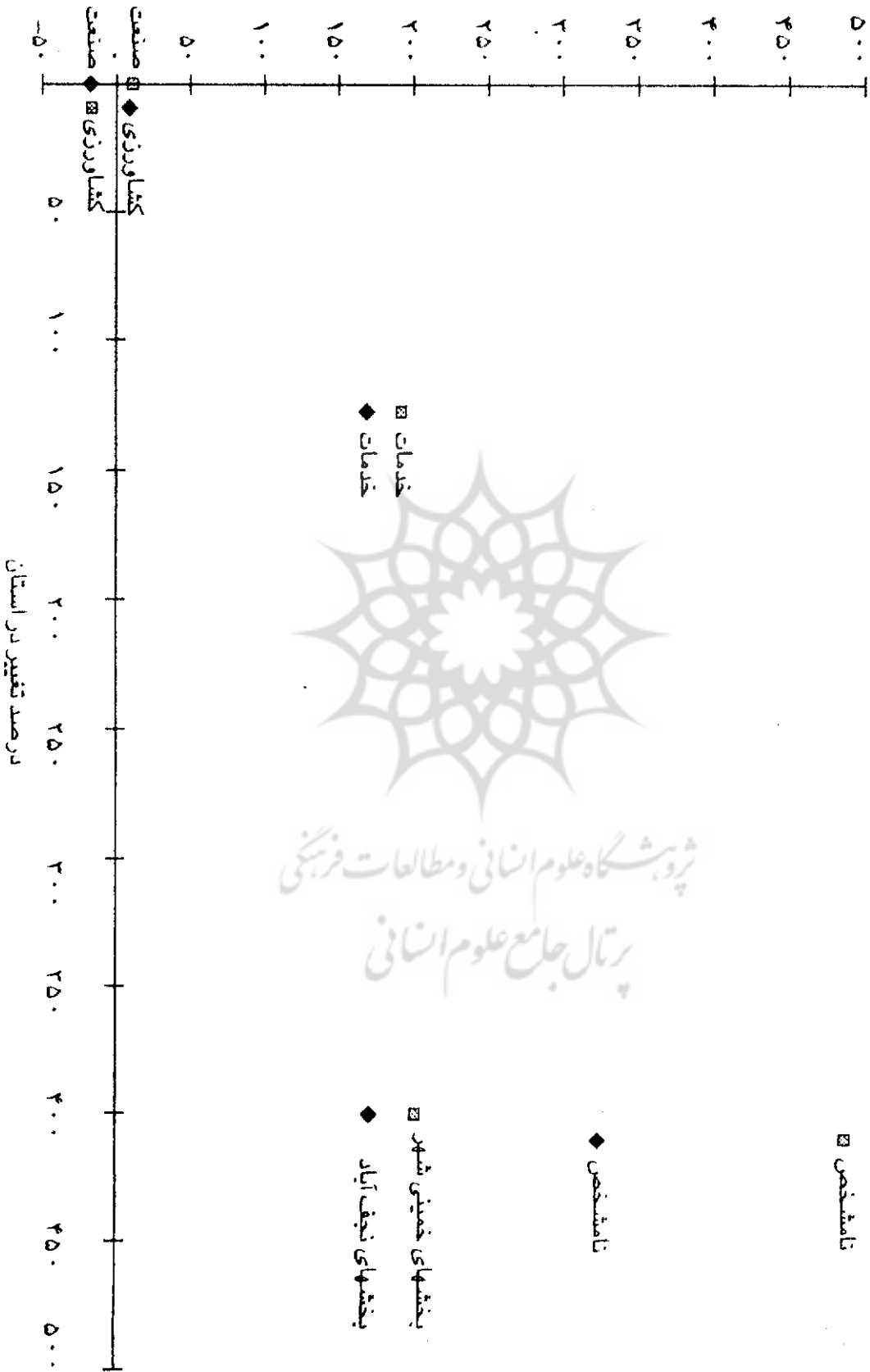
تغییر در نجف آباد و خمینی شهر



نمودار ۷ مقایسه عملکرد بخشهای اقتصادی شهرستان نجف آباد و خمینی شهر و استان اصفهان در سالهای ۵۵-۶۵

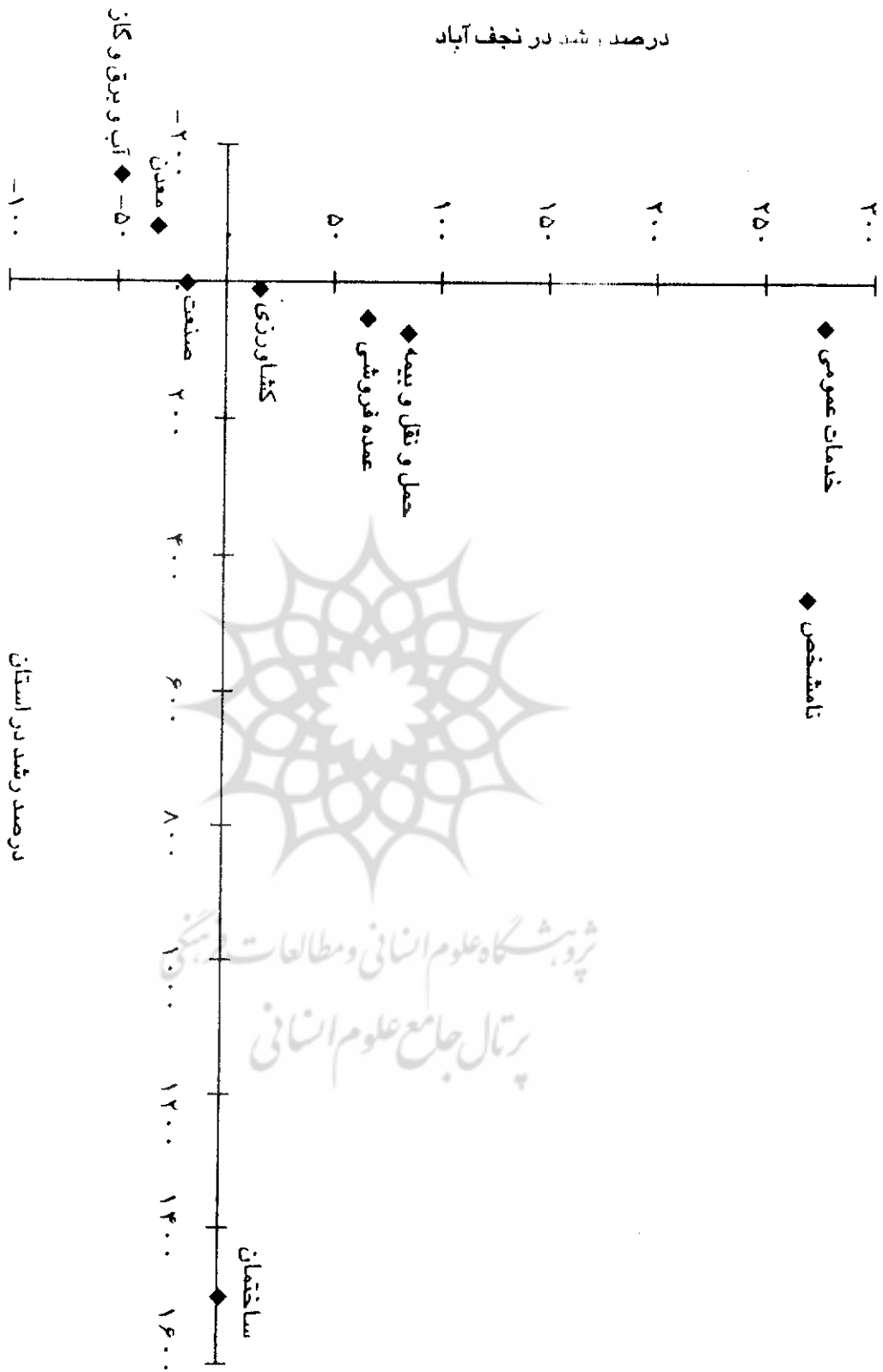


درصد تغییر در نجف آباد و خمینی شهر



نمودار ۸ درصد رشد بخشهای اقتصادی شهرستان نجف آباد و خمینی شهر و استان اصفهان در سالهای ۵۵-۶۵

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف آباد و خمینی شهر

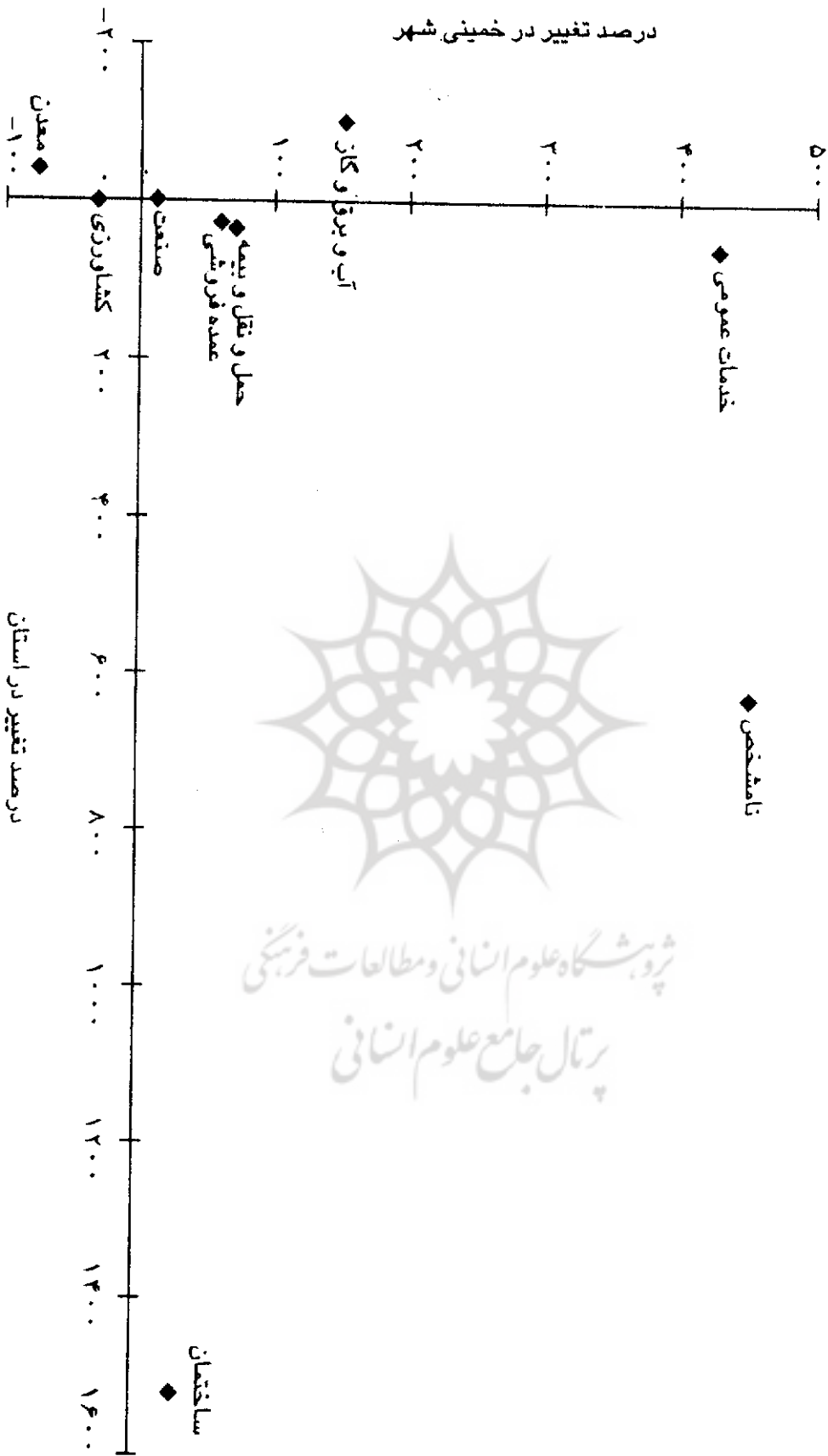


شماره ۹ درصد رشد بخشهای مختلف اقتصادی شهرستان نجف آباد و استان اصفهان در سالهای ۵۵-۶۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی



درصد تغییر در خمینی شهر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درصد تغییر در استان

نمودار ۱۰ درصد رشد بخشهای مختلف اقتصادی شهرستان خمینی شهر و استان اصفهان در سالهای ۵۵-۶۵

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر

جدول ۳ میزان اشتغال‌رایی بخشهای اقتصادی در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵^{۲۸}

بخشهای اقتصادی	استان	نجف‌آباد	خمینی‌شهر
کشاورزی	۲۱۰۶۴	۱۵۶۵	۱۴۹۰
صنعت	۲۹۲۵	-۶۳۵۴	۲۸۷۹
خدمات	۱۸۳۸۸۶	۱۴۰۱۰	۱۱۵۰۵
نامشخص	۱۵۶۸۸	۸۷۰	۶۴۶
جمع	۲۲۳۵۶۲	۱۰۱۸۳	۱۳۵۲۰

بنابراین، مطالعه عملکرد اقتصادی بخشهای مختلف اقتصادی شهرستان نجف‌آباد و خمینی‌شهر در مقایسه با استان و بررسی میزان رشد بخشهای اقتصادی گوناگون این دو شهرستان و نیز بررسی رابطه رگرسیون بخشهای اقتصادی و میزان اشتغال‌رایی آنها در هر دو شهرستان، همگی نمایانگر نقش خدماتی این دو شهرستان در ناحیه‌اند.

۲-۶- بررسی حوزه نفوذ شهر نجف‌آباد نسبت به دهستانهای نجف‌آباد

اکثر روستاییان دهستان کرون سفلی، تحت تأثیر دو مرکز پر قدرت تیران و نجف‌آباد هستند و برای امور آموزشی، در درجه اول به نجف‌آباد و سپس به اصفهان مراجعه می‌کنند.

روستاهای دهستان جوزدان به مرکزیت روستاهای جوزدان اغلب از خدمات تجاری، درمانی، آموزشی و اداری نجف‌آباد استفاده می‌کنند و روستای جوزدان مستقیماً تحت نفوذ نجف‌آباد است. بیشتر روستاهای دهستان صادقیه، به منظور رفع احتیاجات خود به شهر نجف‌آباد مراجعه می‌کنند. در سال ۱۳۶۵، حدود هفده نفر از روستای همت‌آباد برای تحصیل در دبیرستان به نجف‌آباد مراجعه می‌کردند.

اهالی روستاهای دهستان عربستان سفلی، برای خدمات مورد نیاز خود، در درجه اول به شهرهای دهق و علویجه - که در نزدیکی آنها قرار دارند - و در درجه بعد، به اصفهان و نجف‌آباد مراجعه می‌کنند.^{۲۹}

روستاییان قلعه سفید برای استفاده از خدمات عمومی به گلدشت، نجف‌آباد و اصفهان می‌روند.

^{۲۸} مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان اصفهان و شهرستان نجف‌آباد و خمینی‌شهر، ۳۹. پیوند مسکن انقلاب اسلامی اصفهان، طرح کاربری روستاهای نجف‌آباد، ۱۳۶۱.



روستای قلعه سفید از نظر اداری، آموزشی، درمانی و تهیه مایحتاج زندگی در درجه اول تحت تأثیر نجف آباد و سپس اصفهان است. روستاهای اطراف قلعه سفید هم همین وضعیت را دارند. اهالی قلعه سفید بیش از همه با نجف آباد ارتباط دارند. از نظر اداری، آموزشی، شرکت تعاونی، فروش محصولات کشاورزی و امور درمانی در سطوح (بیمارستان، دبیرستان، دانشگاه) بالاتر به نجف آباد مراجعه می‌کنند. از روستای قلعه سفید نود نفر در نجف آباد و ده نفر در اصفهان به دبیرستان می‌روند. نجف آباد در زمینه‌های تجاری، بهداشتی، درمانی و آموزشی در قلعه سفید تأثیر دارد و کارخانجات تولیدی و بزرگ نیز بخش مهمی از ساکنان قلعه سفید را جذب کرده‌اند.

روستای کهریزسنگ به دلیل نزدیکی به شهر نجف آباد، تحت تأثیر و نفوذ شهر نجف آباد است و از طرفی ارتباط مناسب این روستا با شهر اصفهان باعث شده که پاره‌ای از ارتباطات این روستا با شهر اصفهان باشد. کهریزسنگ در درجه اول با نجف آباد و سپس با اصفهان ارتباطات تجاری و اقتصادی دارد. روستای کهریزسنگ بیش از همه با شهر گلدشت و نجف آباد و سپس با اصفهان در ارتباط است. روزانه سیصد نفر از روستاهای قلعه سفید و کهریزسنگ برای تحصیل به مراکز آموزشی گلدشت می‌روند و برای استفاده از مراکز درمانی در سطوح بالاتر، در درجه اول به شهر گلدشت، سپس به نجف آباد و در درجه سوم به اصفهان مراجعه می‌کنند. روستاهای کهریزسنگ، قلعه سفید و گلدشت امکانات تقریباً همسطحی دارند و در این میان، شهر نجف آباد و گلدشت از سرویس‌دهی و امکانات خوبی برخوردارند.^{۳۰}

روستاهای شهرستان خمینی‌شهر امکانات مشابهی دارند و نزدیک خمینی‌شهر و اصفهان واقع شده‌اند و روستایی را تحت نفوذ خود ندارند. اکثر روستاییان روستاهای خمینی‌شهر ترجیح می‌دهند. برای امور مختلف به کوشک، درچه پیا، نجف آباد، خمینی‌شهر و اصفهان مراجعه کنند. فقط روستای قلعه امیریه، دو روستای قرطمان و آدریان را تحت نفوذ خود دارد. از نظر خدمات اداری، روستاییان به خمینی‌شهر مراجعه می‌کنند و از نظر امور انتظامی، روستاها تحت نفوذ شهر کوشک هستند.

روستای قرطمان مدرسه راهنمایی پسرانه ندارد و روزانه نود و پنج نفر دانش‌آموز به مدرسه راهنمایی روستای قلعه امیریه مراجعه می‌کنند و برای استفاده از امکانات آموزشی در سطوح بالاتر، از جمله دبیرستان، مدارس فنی و حرفه‌ای و مراکز آموزش عالی و دانشگاهها، به خمینی‌شهر و اصفهان می‌روند.^{۳۱}

چون روستای اصغراآباد دبیرستان دخترانه ندارد، دانش‌آموزان دختر از اصغراآباد به کوشک مراجعه می‌کنند و برای استفاده از سطوح بالاتر آموزشی به خمینی‌شهر می‌روند. دانش‌آموزان برای استفاده از دبیرستان از قلعه امیریه به کوشک و ولاشان می‌روند. مردم دستگر فداده، قرطمان، جوی آباد و تیرانچی بیشتر به خمینی‌شهر مراجعه می‌کنند و کمتر به اصفهان می‌روند. همچنین از

۳۰. طرح هادی روستاهای کهریزسنگ و قلعه سفید، ۱۳۷۱، و نتایج حاصل از پرسشنامه.

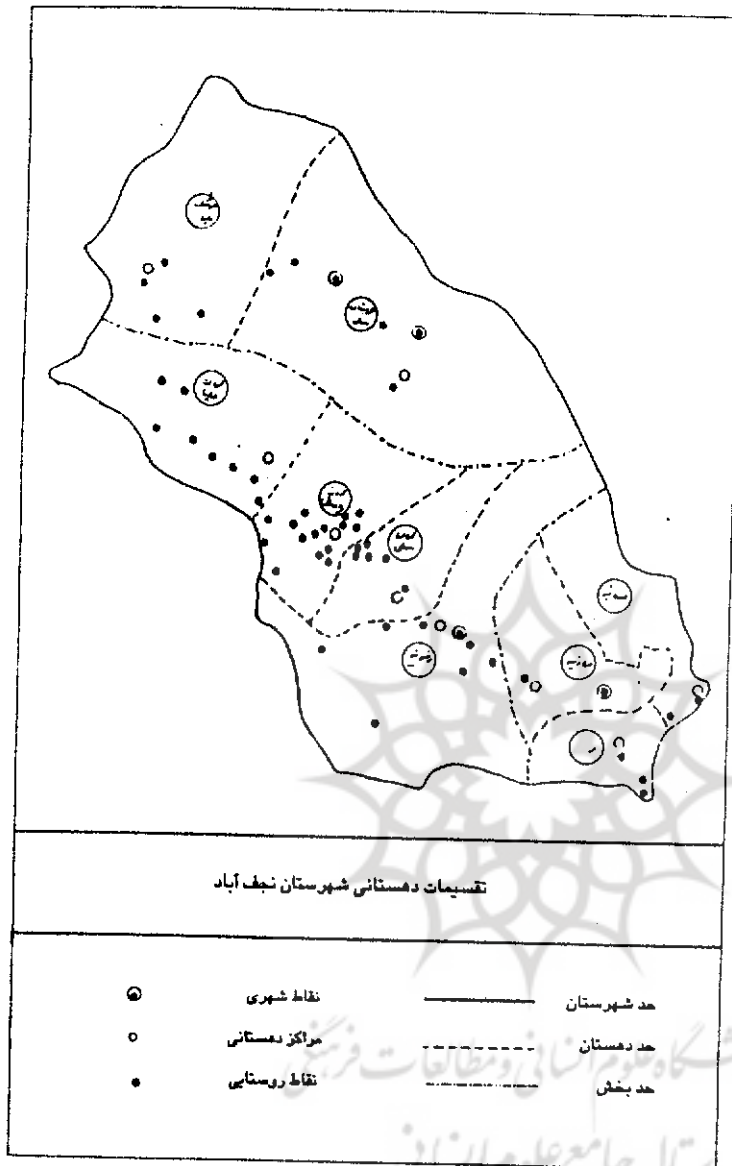
۳۱. طرح هادی روستاهای خمینی‌شهر، قرطمان و اصغراآباد، ۱۳۷۳.

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر

کوشک، درجه، ولاشان و سایر نقاط برای تحصیل در سطوح بالاتر آموزشی به خمینی‌شهر و اصفهان مراجعه می‌کنند. اهالی تیرانچی و ولاشان به منظور استفاده از مراکز درمانی به درجه و همچنین از تیرانچی به همین منظور به کوشک یا درجه و از قلعه امیریه نیز به کوشک، و از قرطمان برای استفاده از امکانات درمانی در سطوح بالاتر (بیمارستان، درمانگاه) به خمینی‌شهر می‌روند و از نظر اداری، به فرمانداری خمینی‌شهر و از نظر انتظامی، به کوشک مراجعه می‌کنند^{۳۲} (جدول شماره ۴).

جدول ۴ بررسی حوزه نفوذ نجف‌آباد و خمینی‌شهر با استفاده از پرسشنامه براساس محل مراجعه برای اهداف مختلف

هدف از مراجعه	اشتغال	آموزش	درمان	خرید	سایر موارد	جمع
از نجف‌آباد به اصفهان	۲۴	۱۰	۱۲	۵	۴	۷۵ تعداد
	۵۸	۱۳	۶	۶	۵	۱۰۰ درصد
از کهریزسنگ به اصفهان	۷	۱	۱۲	۱۱	۱۰	۵۰ تعداد
	۱۴	۲	۲۴	۲۲	۲۰	۱۰۰ درصد
از کهریزسنگ به نجف‌آباد	۳۵	۱۰	۱۳	۵	۵	۷۰ تعداد
	۵۰	۱۷٫۴	۱۸/۵	۷/۱	۷/۱	۱۰۰ درصد
از قلعه سفید به اصفهان	۷	۱۰	۱۰	۱۱	۱۲	۵۰ تعداد
	۱۸	۲۰	۲۰	۲۲	۲۴	۱۰۰ درصد
از قلعه سفید به نجف‌آباد	۲۶	۱۱	۱۱	۳	۲	۶۰ تعداد
	۲۳	۳۰	۱۸/۳	۵	۳/۳	- درصد
از خمینی‌شهر به اصفهان	۴۸	۱۰	۵	۲۱	۱۰	۱۰۰ تعداد
از قرطمان به اصفهان	۸	۲۵	۱۳	۱۳	۴	۵۰ تعداد
از اصفراآباد به اصفهان	۸	۳۲	۸	۸	۵	۵۰ تعداد
از قرطمان به خمینی‌شهر	۸	۲	۲۳	۴	۳	۵۰ تعداد
از اصفراآباد به خمینی‌شهر	۱۱	۱۲	۱۸	۵	۴	۵۰ تعداد



نقشه ۱ توزیع و پراکندگی سکونتگاههای شهرستان نجف آباد بر اساس دهستان

طبق نتایج حاصل از پرسشنامه، از شهرستان نجف آباد برای اشتغال ۵۸ درصد، به منظور استفاده از خدمات ۲۹ درصد و برای خرید ۶ درصد به اصفهان مراجعه می‌کنند. از خمینی شهر ۴۸ درصد برای اشتغال، ۱۱ درصد برای امور آموزشی، ۵ درصد برای امور درمانی و ۲۱ درصد به منظور خرید به اصفهان سفر می‌کنند. از روستای کهریزسنگ برای اشتغال ۱۴ درصد به اصفهان، و ۵۰ درصد نجف آباد، به قصد استفاده از خدمات ۶۴ درصد به اصفهان و ۲۵/۹ درصد به نجف آباد و برای خرید ۲۲ درصد به اصفهان و ۷/۱ درصد به نجف آباد می‌روند. از روستای قلعه سفید ۱۸ درصد برای اشتغال به اصفهان، و ۴۳ درصد به نجف آباد، برای امور خدماتی ۴۰ درصد به اصفهان و ۴۸/۳ درصد

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر

به نجف‌آباد و به‌منظور خرید ۲۲ درصد به اصفهان و ۵ درصد به نجف‌آباد مراجعه می‌کنند. روستاهای قرطمان و اصفرا‌آباد از توابع شهرستان خمینی‌شهر هستند. از روستای قرطمان برای اشتغال ۱۶ درصد به اصفهان و ۱۶ درصد به خمینی‌شهر، برای خدمات ۵۰ درصد به اصفهان و ۵۰ درصد به خمینی‌شهر و به قصد خرید ۲۶ درصد به اصفهان و ۸ درصد به خمینی‌شهر می‌روند. از روستای اصفرا‌آباد، برای اشتغال ۱۰ درصد به اصفهان و ۲۲ درصد به نجف‌آباد، برای استفاده از خدمات ۶۴ درصد به اصفهان و ۶۰ درصد به خمینی‌شهر، و به‌منظور خرید ۱۶ درصد به اصفهان و ۱۰ درصد به خمینی‌شهر سفر می‌کنند.

با مطالعه حوزه نفوذ شهرهای خمینی‌شهر و نجف‌آباد و محل تأمین نیازهای روزمره روستاهای پیرامون آنها - براساس نتایج حاصل از پرسشنامه - فرضیه نقش مرکزیت دو شهر مورد آزمون قرار گرفته است که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد این دو شهر به‌عنوان مرکز خدمات در سلسله مراتب شهری استان بعد از اصفهان در درجه دوم قرار می‌گیرند.



- جاده آسفالت
- جاده خاکی
- جاده مالرو
- نقاط شهری
- نقاط روستایی

نقشه ۲ نقشه روستایی بخش مرکزی شهرستان خمینی‌شهر



۳-۶ بررسی نقش شهر نجف آباد و خمینی شهر به عنوان بازار فروش محصولات کشاورزی محل فروش و مصرف محصولات کشاورزی عمدتاً شهر اصفهان است. به همین دلیل، اکثر فراورده‌های کشاورزی به میدان‌های این شهر می‌آید و به دست سلف‌خرهای اصفهانی جابه‌جا می‌شود. از مجموع ۲۵۵ تن انواع محصولات کشاورزی اعلام شده، ۵۹ درصد در بنگاه‌های اصفهان، ۳/۶ درصد در بنگاه‌های داخل شهر نجف آباد و ۲۷ درصد در بنگاه‌های بین راه اصفهان - نجف آباد به فروش می‌رسد. فقط ۷/۵ درصد از اقلام کشاورزی روستای قلعه سفید جنبه خود مصرفی دارد. خریداران عمده محصولات باغی هم شهرنشینان اصفهانی هستند. ۳۸/۳ درصد از این محصولات ۱۱/۹ درصد در نجف آباد و ۳۵ درصد در بنگاه‌های بین راه اصفهان - نجف آباد به فروش می‌رسد و بخشی نیز از طریق سلف‌خرها خریداری می‌شود^{۳۳}. (جدول شماره ۷)

بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه، ۲۲ درصد از محصولات روستای قلعه سفید در اصفهان به فروش می‌رسد، ۱۶ درصد در خمینی شهر، ۵۴ درصد در نجف آباد و ۸ درصد در بنگاه‌های بین راه و یا در سایر محلها محصولات روستاهای دهستان صفائییه شامل انواع میوه، گیلاس و گوجه فرنگی است که در درجه اول در اصفهان و در درجه دوم در نجف آباد به فروش می‌رسد؛ ولی ۹۰ درصد محصولات یونجه، پیاز و سیب‌زمینی این روستاها در میدان بار نجف آباد فروخته می‌شود. از روستای حسین آباد محصول بادام، گردو و سیب درختی به نجف آباد می‌آید و در آنجا به فروش می‌رسد. ۱۴ درصد محصول روستای کهریزسنگ در اصفهان، ۴۲ درصد در خمینی شهر و ۳۴ درصد در نجف آباد به فروش می‌رود و ۱۰ درصد بقیه سهم سایر اماکن خرید و فروش است. شهر تیران محصولات انگور و بادام را در درجه اول به اصفهان و سپس به خمینی شهر صادر می‌کند.

اهالی روستای اصغرآباد از شهرستان خمینی شهر ۳۰ درصد محصول خود را در اصفهان، ۳۰ درصد را در خمینی شهر، ۴ درصد را در نجف آباد و ۱۶ درصد را در بنگاه‌های بین راه می‌فروشند. ۵۲ درصد محصولات روستای قرطمان در اصفهان به فروش می‌رود، ۲۴ درصد در خمینی شهر و ۱۲ درصد در بنگاه‌های بین راه به فروش می‌رود^{۳۴}. (جدول ۵ و ۶).

به طور کلی، اکثر مبادلات اقتصادی از طریق اصفهان جذب و توزیع می‌شود و تمام روستاها و شهرکهای تولیدکننده محصولات جالیزی و کشاورزی مستقیماً با بازار توزیع و مصرف اصفهان رابطه دارند و عملکرد شهرهای کوچک نظیر درچه، تیران و رهنان محدود به شهرهای متوسط خمینی شهر و نجف آباد است که آنها نیز در حوزه نفوذ اصفهان هستند.

بنابراین، به دلیل مناسب بودن نرخ و سوددهی بیشتر، نزدیکی به شهر اصفهان، در اختیار بودن امکانات حمل و نقل، و وجود حوزه نفوذ وسیع و گسترده بازار میوه و تره‌بار در شهر اصفهان، انواع محصولات کشاورزی، خصوصاً انواع میوه، صیفی و سبزی روستاهای خمینی شهر و نجف آباد در

۳۳. اداره کشاورزی استان اصفهان، گزارش وضعیت کشاورزی شهرستان نجف آباد ۶۷-۱۳۶۸.

۳۴. نتایج حاصل از پرسشنامه.

کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر

اصفهان به فروش می‌رسد و حتی از میادین میوه و تره‌بار اصفهان به شهرها و استانهای اطراف اصفهان، نظیر شیراز، چهارمحال و بختیاری و الیگودرز صادر می‌شود. بنابراین، نقش این دو شهر متوسط به عنوان بازار فروش محصولات کشاورزی روستاهای پیرامونی‌شان ضعیف است.

جدول ۵ محل فروش محصولات کشاورزی روستاهای قرطمان و اصغرآباد از توابع شهرستان خمینی‌شهر براساس نتایج حاصل از پرسشنامه

محل فروش محصولات					نام روستا	
جمع	سایر موارد	نجف‌آباد	خمینی‌شهر	اصفهان		
۵۰	۸	۲	۲۰	۲۰	تعداد	اصغرآباد
	۸/۶	۴	۳۰	۳۰	درصد	
۵۰	۶	۶	۱۲	۲۶	تعداد	قرطمان
	۱۲	۱۲	۲۴	۵۲	درصد	

جدول ۶ محل فروش محصولات کشاورزی روستاهای قلعه سفید و کهریزسنگ از توابع شهرستان نجف‌آباد براساس نتایج حاصل از پرسشنامه

محل فروش محصولات					نام روستا	
جمع	سایر موارد	نجف‌آباد	خمینی‌شهر	اصفهان		
۵۰	۴	۲۷	۸	۱۱	تعداد	قلعه سفید
	۸	۵۴	۱۶	۲۲	درصد	
۵۰	۵	۱۷	۲۱	۷	تعداد	کهریزسنگ
	۱۰	۳۴	۴۲	۱۴	درصد	

فرضیه مربوط به نقش این دو شهر به عنوان بازار خرید محصولات کشاورزی، براساس پرسشنامه میادین میوه و تره‌بار آزمون شده است. اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که خمینی‌شهر و نجف‌آباد، در خرید محصولات کشاورزی روستاهای اطراف، نقش ضعیفی دارند و بازار



میدان میوه و ترهبار اصفهان در این باره حوزه نفوذ وسیع‌تری دارد.

جدول ۷ محل فروش تولیدات کشاورزی قلعه سفید در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ تا ۳۵

مقدار تولید	سال	تعداد	مقدار تولید	درصد
بنگاه اصفهان	۱۳۶۸	۱۸	۱۰۵۳۰۰۰	۵۹
	۱۳۶۷	۱۹	۶۵۶۹۵۰	۵۱/۶
نجف آباد	۱۳۶۸	۴	۶۳۵۰۰	۳/۶
	۱۳۶۷	۳	۳۳۵۰۰	۲/۶
مصرف داخلی	۱۳۶۸	۱۲	۱۳۲۲۵۰	۷/۵
	۱۳۶۷	۱۱	۹۴۷۰۰	۷/۴
بنگاههای محلی	۱۳۶۸	۷	۲۰۸۰۰	۱/۲
	۱۳۶۷	۸	۶۷۰۵۰	۵/۳
اصفهان و نجف آباد	۱۳۶۸	۱۷	۲۸۰۰۰۰	۲۷
	۱۳۶۷	۱۸	۳۹۸۵۰۰	۳۱/۳
اجاره	۱۳۶۸	۱	۲۵۰۰۰	۱/۴
	۱۳۶۷	۳	۲۲۱۰۰	۱/۷
جمع	۱۳۶۸	-	۱۷۷۵۵۵۰	۱۰۰
جمع	۱۳۶۷	-	۱۲۷۲۸۰۰	۱۰۰

۷- نتیجه

شهر نجف آباد و خمینی شهر، براساس مطالعات اقتصادی، در سطح ناحیه نقش خدماتی دارند. نمودار مقایسه عملکرد اقتصادی استان و این دو شهرستان، نمودار میزان رشد بخشهای اقتصادی، رابطه رگرسیون بخشهای اقتصادی، میزان اشتغالزایی بخشهای اقتصادی و نیز درصد شاغلان در بخشهای مختلف اقتصادی، همگی دلالت بر نقش خدماتی این دو شهرستان دارند.

در مورد آزمون فرضیه، حوزه نفوذ روستاهای شهرستان نجف آباد و خمینی شهر مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، خمینی شهر و نجف آباد از نظر ارائه خدمات و امکانات به نواحی پیرامونی شان، واسطه بین شهرهای کوچک و مادرشهر اصفهان هستند و نسبت به حوزه پیرامون

۳۵. اداره کشاورزی استان اصفهان، گزارش وضعیت کشاورزی شهرستان نجف آباد رسم نمودارها با استفاده از جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دروس دکتر فرهودی، سال ۱۳۶۷-۱۳۶۸ انجام شده است.

خود، بعد از اصفهان به عنوان مکان مرکزی ایفای نقش می‌کنند. البته در این مورد، نقش شهر خمینی‌شهر نسبت به حوزه پیرامونی‌اش از نقش شهر نجف‌آباد نسبت به حوزه پیرامونی‌اش ضعیف‌تر است و به دلیل فاصله کمی که این شهر با اصفهان دارد، اکثر افراد تمایل دارند که برای امور مختلف و رفع نیازهایشان به مادرشهر اصفهان مراجعه کنند. بنابراین، دو شهر متوسط خمینی‌شهر و نجف‌آباد در زمینه ارائه خدمات آموزشی، درمانی و بهداشتی به عنوان محل خرید و ارائه فرصت‌های اشتغال و ارائه خدمات عمومی و اداری، در مرتبه دوم بعد از اصفهان قرار می‌گیرند و این نظریه در این منطقه تأیید می‌شود.

در مورد نقش شهرهای متوسط میانی شهر و نجف‌آباد به عنوان بازار خرید و عرضه محصولات کشاورزی حوزه پیرامونی‌شان، به این نتیجه می‌رسیم که اکثر روستاهای شهرستان نجف‌آباد و خمینی‌شهر، در درجه اول محصولاتشان را در بازار اصفهان و سپس در نجف‌آباد و خمینی‌شهر به فروش می‌رسانند و نقش شهرهای میانی در این مورد ضعیف است. بنابراین، نظریه راندنیلی در این مورد، در این منطقه تأیید نمی‌شود.

امروزه در برنامه‌ریزیها، سیاست تقویت نقش شهرهای متوسط در مقابل سیاست ایجاد شهرهای جدید مطرح است. یکی از راههای عدم تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری در شهرهای متوسط و بخصوص آن دسته از شهرهایی است که به حد کافی از مراکز اصلی منطقه دورند و اقتصاد مستقلی ندارند تا فارغ از اثرگذاری مراکز پیرامونی، قادر به ایفای نقش اقتصادی شکوفا و مستقلی شوند. هدف این نیست که شهرهای متوسط به شهرهای بزرگ تبدیل شوند، بلکه هدف این است که اشتباهات شهرهای بزرگ و متمرکز در این شهرها تکرار نشود. رشد و توسعه این شهرها باید با توجه به نقش و کاربرد آنها در فضای منطقه‌ای و طبق برنامه‌ریزی مدول و متعادل کنترل شود که بی‌شک از طریق مهیا کردن وسایل رشد و پیشرفت شهرهای کوچک و متوسط و تبعیت از سیاست توسعه از پایین است، به نحوی که در فرایند توسعه، یک سیستم شهری بسط یابد و به صورت ارگانیک تثبیت شود.

سیاست توسعه از بالا (شهر) باید با سیاست توسعه از پایین (روستا) و به صورت یکپارچه عملی شود. دو شهر متوسط نجف‌آباد و خمینی‌شهر، بویژه خمینی‌شهر، به دلیل فاصله بسیار کمی که با اصفهان دارند، بسیار تحت تأثیر جریان‌ات و تحولات به وجود آمده در اصفهان هستند. حتی شهرستان خمینی‌شهر بتدریج در اصفهان ادغام و جزئی از اصفهان خواهد شد. با توجه به این واقعیت که تقویت نقش شهرهای میانی بیشتر در مورد آن دسته از شهرهایی مصداق دارد که فاصله کافی از مراکز دارند، لازم است برای جلوگیری از تبدیل شدن این دو شهر به مادرشهر دیگری در آینده و به دنبال آن به وجود آمدن معضلات بعدی، ضمن ارائه امکانات و خدمات گوناگون آموزشی، درمانی و رفاهی در سطوح بالاتر به این دو شهر و رفع کمبودهای آنها در زمینه‌های گوناگون - متناسب با رشد جمعیت و به حدی که مراجعه به مرکز کاهش یابد - به شهرهای کوچک، روستا - شهرها و مراکز روستایی نیز توجه شود تا رشد ارگانیک شهر کوچک، شهر متوسط، روستا و شهر بزرگ در کل نظام شهری و



زمینه ایجاد نظام شهری متعادل فراهم آید. به علاوه باید همراه با سرمایه‌گذاریهایی دولتی، سرمایه‌گذاری خصوصی را نیز با اعمال سیاستهای کنترلی و تشویقی به سوی این مناطق هدایت کرد.

۸- منابع

- [۱]. اعتماد، گیتی؛ حسامیان، فرخ؛ شهرنشینی در ایران، تهران؛ آگاه؛ ۱۳۶۴، ص ۱۲۷.
- [۲]. پیران، پرویز؛ «توسعه برونزا و شهر، مورد ایران»؛ اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۶۸؛ ش ۳۰؛ صص ۴۵-۵۰.
- [۳]. ارجمندنیا، اصغر؛ «نظام اسکان جمعیت و نقش شهر میانی»؛ مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه، شهریور ۱۳۶۷، صص ۱۱-۲۹.
- [۴]. زیاری، کرامت ا...؛ «نقش شهرهای جدید در روند شهرنشینی اصفهان»؛ رساله دوره دکتری؛ دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۷۴؛ ص ۲۴۹.
- [۵]. امچی، حمیده؛ شهرهای میانی و نقش آنها در چهارچوب توسعه ملی؛ ج ۱؛ مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی؛ ۱۳۷۱؛ صص ۲۵-۲۹.
- [۶]. شکویی، حسین؛ دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)؛ ۱۳۷۳، صص ۳۱۴-۳۱۶.
- [۷]. کلاس، کونزمان؛ تشویق ایده شهرهای میانی به عنوان کلیدی موفق در تعیین خط مشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ترجمه حمیده امچی؛ تهران؛ سازمان برنامه و بودجه؛ ۱۳۶۴؛ صص ۳-۶.
- [۸]. ارجمندنیا، اصغر؛ «نقش شهرهای میانی در نظام اسکان جمعیتی»؛ اطلاعات سیاسی و اقتصادی؛ ش ۷؛ تیر ۱۳۶۸؛ صص ۵۹-۶۴.
- [۹]. امچی، حمیده؛ تجزیه و تحلیل ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی شهرهای متوسط در کشورهای در حال توسعه؛ تهران؛ سازمان برنامه و بودجه؛ ۱۳۶۴.
- [۱۰]. فرید، یدالله؛ جغرافیا و شهرشناسی، ج ۳؛ دانشگاه تبریز؛ ۱۳۷۳، ص ۴۹۲.
- [۱۱]. شیخی، محمد؛ «نگرشی بر طرحهای ملی و منطقه‌ای»؛ اطلاعات سیاسی و اقتصادی؛ مهر و آبان ۱۳۶۹، ش ۲۸، صص ۴۸-۵۹.
- [۱۲]. زنجانی، حبیب‌الله؛ «جمعیت و اندازه مطلوب آن در شهر سالم»؛ مجموعه مقالات جمعیت و توسعه مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱؛ صص ۱۸۲-۱۸۸.
- [۱۳]. سعیدنیا، احمد؛ «جایگاه شهرهای جدید در نظام شهری ایران»؛ مجموعه مقالات سمینار شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، وزارت مسکن و شهرسازی؛ ۱۳۶۸؛ صص ۱۳-۲۶.
- [۱۴]. اعتقاد، گیتی؛ «تغییرات شبکه شهری ایران در دهه اخیر»؛ مجله معماری و شهرسازی؛ ۱۳۷۲؛ ش ۲۵-۲۶؛ صص ۶-۹.
- [۱۵]. روحانی، فواد؛ جمهور افلاطون؛ کتاب چهارم؛ تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ۱۳۶۰؛ بند ۴۲۳.

- [۱۶]. گنابادی، پروین؛ مقدمه ابن خلدون؛ تهران؛ انتشارات بنگاه، ترجمه و نشر کتاب؛ ۱۳۶۲، صص. ۲۰۳-۲۳۰.
- [۱۷]. امانی، مهدی؛ «انفجار شهرها»، پیام بونسکو؛ آبان ۱۳۷۱، ش. ۲۶۰؛ صص. ۲۷-۳۴.
- [۱۸]. شکویی، حسین؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری؛ جلد اول؛ انتشارات سمت؛ ۱۳۷۲؛ صص. ۴۷۳-۴۹۳.
- [۱۹]. پراکاش، ماتور؛ آزمون مجدد نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی؛ ترجمه شعلی نوری؛ مدیریت امور عمران و شهری و مسکن؛ تیر ۱۳۶۵، ص. ۳۰.
- [۲۰]. حامد مقدم، احمد؛ «نگرشی بر نظریه‌های نوین توسعه روستایی»؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ سال هشتم؛ بهار ۱۳۷۳؛ صص. ۷۴-۴۲.
- [۲۱]. امچی، حمیده؛ شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی؛ وزارت مسکن و شهرسازی؛ جلد اول؛ ۱۳۷۱؛ صص. ۲۹-۲۵.
- [۲۲]. ام. پراکاش، ماتور؛ آزمون مجدد نقش شهرهای کوچک در آبادانی ملی، ترجمه کمای پروز، مهندسین مشاور پژوهش و عمران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸، ص. ۱۰۸.
- [۲۳]. شکویی، حسین؛ «تحلیلی بر انتقال مراکز اداری و سیاسی کشور (تهران)»، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۰، صص. ۱۹۹-۲۰۹.
- [۲۴]. پاپلی - یزدی؛ «تمرکزگرایی و عدم تمرکزگرایی و اثرات آن، مورد تمرکزگرایی اداری»، ج. ۱؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ آستان قدس رضوی؛ تابستان ۱۳۷۲؛ ش. ۲۹؛ صص. ۴۲-۱۵.
- [۲۵]. زنجانی، حبیب‌الله؛ راهنمای جمعیت شهرهای ایران از ۱۳۷۰-۱۳۵۵؛ وزارت مسکن و شهرسازی؛ ۱۳۶۸.
- [۲۶]. زبردست، اسفندیار، معزالدین، پروین؛ سنجش توان توسعه صنعتی مناطق کشور؛ وزارت مسکن و شهرسازی؛ سال ۱۳۷۰؛ صص. ۷۹-۷۱.
- [27]. Short J. H.; *An Introduction to Urban Geography*; Ruted and Pacel, London, 1984, pp. 84-97.
- [28]. Rondinelli, Dennis A.; *Secondary Cities in Developing Countries for Diffusing Urbanization Policies*, Sage; 1983, pp. 28.
- [29]. Congdon P., Shepherd, J., "Modelling Population Changes in Small English Urban Areas", *Economic planning A*; 1986; Vol. 18; pp. 1297-1322.
- [30]. GAU, shi, shou; "Urbanization in Chinn", *The Rapide Growth of Small Cities and Regional Regrouping of Cities; Habitationnal*, Vol. 15, No. 3; 1984, pp. 143-147.